

نیروی عظیم خلق را علیه دشمن اصلی، امپریالیسم آمریکا، بسیج کنیم!

میل عظیم توده‌های میلیونی یا شمار ده‌هاست که تعلقه نبرد با آمریکا در سراسر ایران، چون طغیان سیلابهای بهاری که بیشتر تاقان کشور را فراگرفته بود، به خیابانها سرریز شد نه یاران میل آسا، نه برقه نه سیلابهای جاری در خیابانها، که عبور از آنها با پای

پایه امکان نداشت، نه سردی لاکهالی هوا و نه حتی لغو راه‌های درجند شهر توانست مانع از حرکت میلیونها توده‌ها شود مردم دلاور ایران، که به فرمان رهبر انقلاب، برای نشان دادن وحدت ضد امپریالیستی خود، سومین سالروز برقراری جمهوری اسلامی ایران را برگزیده بودند،

با وجود سردی هوا، یکپارچه و متحد در سراسر کشور بهرام میانی پرداختند زحمتکشان قهرمان ایران پیشاپیش صفوف توده‌ها، با فریادهای رعدآسای خود آسمان ابری را لرزاندند و با بانگ پر خروش هرگز بر آمریکا، اراده نزل نپذیر خود را برای درهم شکستن دشمن اصلی همه خلقتهای جهان اعلام داشتند.

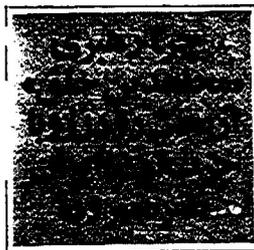
حضور میلیونی توده‌ها زیر شعار واحد دشمن اصلی ما آمریکا است، بار دیگر نشان داد که مردم پندارهای بلند دشمنان و با وجود همه دشواریهای دوران گذار انقلاب، مفتوحه‌ها، متحد و یکپارچه، از انقلاب پشتیبانی می‌کنند این حضور شکست ناپذیر نشان داد که مردم قهرمان ایران نه تنها دشمن اصلی قیام در صحنه ۲



دوره هفتم، سال سوم، شماره ۲۷۷
شبه ۱۵ فروردین ۱۳۶۰، مطابق با
۲۸ جمادی الاول ۱۳۶۰-۱۳۶۱، ۱۵ بهمن ۱۳۶۰

«مجاهدین خلق» در دادگاه حقیقت

صنعت ۴ و ۵



پیام امام خمینی
به مناسبت
سومین سالروز
استقرار جمهوری
اسلامی ایران:
آمریکای
جنایتکار در
رأس دشمنان
انقلاب است

امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران به مناسبت روز ۱۲ فروردین ۶۰، سومین سالروز تأسیس جمهوری اسلامی ایران، طی بیانی به مردم قهرمان ایران، تأکید کردند که جمهوری اسلامی ایران با پشتیبانی گفازین توطئه‌های دشمنان انقلاب که در فرمان آمریکایی جنایتکار، قرارداد اینک در موضوع قدرت، با وحدت کلمه و توحید مقصد، با دشمنان و ایادی آنها روبرو است. رهبر انقلاب در پیام خود از جمله گفته‌اند:

ما در سال قبل با توطئه آمریکا و آلت برابری او سادات که با پناه دادن شاه مخلوع در صحنه غنای راه افراختن و شاه معلوم را وسیله قرار دادن بود، مواج بودیم که با تأیید خداوند تعالی شاه با فصاحت به گورستان و توطئه گران یا رسوایی بزه‌هایشان تاریخ رهسپار شده‌اند.

امام خمینی سپس ضمن اشاره به تجاوز نظامی رژیم صدام و جنایات بی‌شمار تجاوزگران صدامی علیه مردم ایران، یادآور شدند:

توتون پست عراق که با صلیب‌های غلط خود و فریب‌های محرکین آن به دام افکنده است، راه پس و پیش ندارد، چرا که از یکسو ملت عراق به آن پشت کرده و از سوی دیگر قوای مسلح شیخ از ایران آنرا در کنگره قرار داده است.

امام خمینی سپس طرذ کراتی به مردم و مسئولان امور از جمله گفتند:

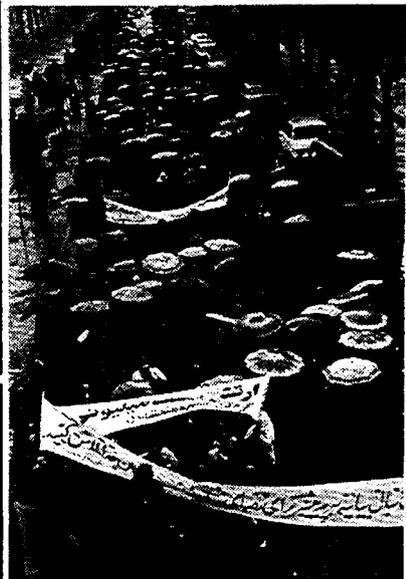
«به تمام گروهها و سازمانها و دستگاه‌ها در سراسر ایران اطلاع می‌شود که اگر سلاح خود را تحویل دهند و اظهار توبه کنند به آنان تمین داده می‌شود و می‌توانند برانوار در کشورشان بقیه در صحنه ۲

توده‌های میلیونی زیر ریزش برف و باران، سالروز استقرار جمهوری اسلامی ایران را برگزار کردند

شعار اصلی ۱۲ فروردین:

دشمن اصلی ما آمریکا است، پس مرگ بر آمریکا!

- ★ مردم تهران شعار می‌دادند: نه سازش، نه تسلیم، نبرد با آمریکا
- ★ شعار مردم تبریز: خمینی یاور مستضعفین - آمریکا دشمن مستضعفین
- مسلمان بی‌پوش باش، آمریکا در کمین است
- ★ زحمتکشان بابل شعار می‌دادند: از اتحاد ملت آمریکا وحشت داره، مزدور آمریکائی توطئه در سر دارد



جویباری از دریای توفانی خلق، که در میان ریزش شدید باران، خشم خود را نشان دشمن اصلی، امپریالیسم آمریکا، می‌کند.

سومین سالروز استقرار جمهوری اسلامی ایران، در زیر برف و باران، در سراسر کشور برگزار شد. براساس گزارش خبرنگاران نامه مردم از اغلب نقاط کشور، با وجود هوای بسیار نامساعد و ریزش برف و باران شدید، که در چند شهر سبب برافراختن سیلاب شده، توده‌های مردم در مراسم سالروز استقرار جمهوری اسلامی ایران شرکت کردند. طبق همین گزارش‌ها با اینکه در چند شهر، از جمله تهران، رامپیمانی رسماً لغو شده، ولی مردم زیر باران سیل آسا به رامپیمانی ادامه دادند و با فریادهای «مرگ بر آمریکا» درود بر خمینی، وحدت ضد امپریالیستی خود را اعلام داشتند و خشم خود را نشان امپریالیسم غارتگر آمریکا کردند.

خبرنگاران نامه مردم از رامپیمانی تهران می‌نویسند:

بقیه در صحنه ۲

هفتادمین سالگرد زادروز هنری وینستون صدر حزب کمونیست ایالات متحده آمریکارا شادباش می‌کنیم



هنری وینستون، صدر حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا، در روز ۱۵ فروردین ۱۲۹۰ (۴ آوریل ۱۹۱۱ در مریس، مریس) دیده به جهان گشود. پدر بزرگ وینستون یک برده بود. هنری وینستون در سن ۱۹ سالگی به جامعه جوانان کمونیست پیوست. از دیگر فعالیت‌های او در سالهای جوانی شرکت در جنبش مبارزه با ییکاری و کنفرانسی جنوب در راه پیریزی آسانی بود.

هنری وینستون در دوران جنگ دوم جهانی در هینسی ارتش خدمت پرداخت. این قهرمان مبارز در سال ۱۳۳۵ (۱۹۵۶)، بموجب قانون اسمی، به هشت سال زندان محکوم شد و در زندان در نتیجه غفلت مقامات مسئول، بیانی خویش را از مستحاض سرانجام اعتراضات گسترده جهانی بخاطر رهایی او به فرجام نیک رسید و در سال ۱۳۴۰ (۱۹۶۱)، پس از تحمل پنج سال شرایط دشوار شکنجه و زندان، از سیاه‌چال‌های آمریکا رهایی یافت.

هنری وینستون در سال ۱۳۴۵ (۱۹۶۶) پست صدر حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا برگزیده شد. او در ۱۲ فروردین ۱۳۵۵ (۶ آوریل ۱۹۷۶)، بخاطر مبارزات خود بسود طبقه کارگر و جنبش آزادیبخش ملی علیه

طی روزهای ۱۲ و ۱۳ فروردین:
انبار مهمات دشمن در منطقه فاو عراق نابود شد

در ادامه نبرد عادلانه رزمندگان انقلاب با تجاوزگران صدامی شریات دیگری بر یکر دشمن وارد شد. بقیه در صحنه ۲

در سالگرد جمهوری
اسلامی ایران
مردم اتحاد شوروی
همبستگی خود را
با انقلاب ایران
ابراز داشتند

صحنه ۸ - رویدادهای جهان

حجت الاسلام خامنه‌ای: تبلیغ «خطر کمونیسم» برای انحراف توجه مردم از دشمن اصلی، امپریالیسم آمریکای جبار است

★ این توطئه برای زمینسازی یک تجاوز جدید است.

بهراد نبوی وزیر مشاور:

مسأله ارضی به بهترین شکلی
حل خواهد شد

مراسم نماز جمعه این هفته همانند هفته‌های گذشته با شرکت انبوه عظیمی از نمازگزاران تهرانی در محل دانشگاه تهران به امامت حجت الاسلام خامنه‌ای برگزار شد. در خطبه نماز جمعه این هفته امام جمعه تهران از جمله تأکید کرد: تبلیغ «خطر کمونیسم» که از سوی محافل وابسته به امپریالیسم آمریکا برای ملت ایران عنوان می‌شود، جهت انحراف توجه مردم از دشمن اصلی، از امپریالیسم آمریکای جبار است... وی متذکر شد که شعارهای ضد آمریکایی متعلق بقیه در صحنه ۲

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

رفیق فداکار توده‌ای، هنگام آوردن «نامه مردم»، در دریا غرق شد



حسین دژگانی، رفیق فداکار توده‌ای، هنگامیکه از جزیره رستم برای آوردن نامه «مردم» به بندرعباس، سوی این بندر حرکت میکرد، بر اثر غرق شدن قایق موتوری، جان خویش را هنگام انجام وظیفه حزبی از دست داد. رفیق قید حسین دژگانی اهل قشم بود و در این جزیره در آموزش و پرورش تدریس میکرد. او از وقتی که به حزب توده ایران پیوسته، زندگی خود را وقف آرمان حزب طبقه کارگر ایران کرد. چهره همیشه خندان رفیق حسین برای زحمتکشان قشم آشنا بود. آنها همیشه این معلم توده‌ای را می‌دیدند که از انقلاب پرشکوهر مردم ایران و از حزب توده ایران دفاع می‌کند. متأسفانه انحصارطلبان این جبهه انقلابی را از آموزش و پرورش به‌اصطلاح فداکاری کردند. آنها در مقابل اسرار رفیق حسین، که خواهان

حسین دژگانی، رفیق فداکار توده‌ای، هنگامیکه از جزیره رستم برای آوردن نامه «مردم» به بندرعباس، سوی این بندر حرکت میکرد، بر اثر غرق شدن قایق موتوری، جان خویش را هنگام انجام وظیفه حزبی از دست داد. رفیق قید حسین دژگانی اهل قشم بود و در این جزیره در آموزش و پرورش تدریس میکرد. او از وقتی که به حزب توده ایران پیوسته، زندگی خود را وقف آرمان حزب طبقه کارگر ایران کرد. چهره همیشه خندان رفیق حسین برای زحمتکشان قشم آشنا بود. آنها همیشه این معلم توده‌ای را می‌دیدند که از انقلاب پرشکوهر مردم ایران و از حزب توده ایران دفاع می‌کند. متأسفانه انحصارطلبان این جبهه انقلابی را از آموزش و پرورش به‌اصطلاح فداکاری کردند. آنها در مقابل اسرار رفیق حسین، که خواهان

آمریکای جنایتکار

بچه از صفحه ۱ زندگی کند و آنچه گذشته است، مود غنو است. رهبر انقلاب آنکه با اشاره به اینکه ایجاد اختلاف و تفاق کمک به دشمنان انقلاب و خصوما «آمریکای جنایتکار» است از تمام دست‌انگشتان و دست‌انگشتان خود را در این گونه اعمال می‌شدت پیرهنند. امام خلیف سبب با اشاره به اینکه اعمال بی‌بشری از روسایون به دوچه روحانیت لطمه وارد می‌آورد از جمله گفتند:

«متأسفانه بعضی از علمای به خال پشتیبانی از اسلام تحت تأثیر شایعات واقع شده و یکسره به افتاد از جمهوری اسلامی از تمام دادگراها و همه‌کارگانی جمهوری اسلامی برخاسته (ان)»... رهبر انقلاب سبب از شورای عالی قضایی خواسته تا با تشکیل هیئت‌هایی به کار دادگراها رسیدگی کنند و وقایع غیرصالح و نامتعارف را کنار بگذارند. رهبر انقلاب همچنین از شورای فرماندهی سپاه پاسداران خواسته تا با رسیدگی به برخی اشتباهات

سپاه پاسداران انقلاب و برطرف کردن آنها ننگارند. این جوانان عزیز انقلابی و این کارگسان فداکار مومن و متعهد حیثیت خود را در بین ملت از دست بدهند. امام خلیف سبب از دولت خواسته تا بیش از پیش به کشاورزی و کشاورزان کمکهای لازم را بکنند و باز پیچ و خمهای اداری که موجب تأخیر در این امر جرات‌است، جلوگیری نمایند. رهبر انقلاب در انتهای پیام خود از مردم خواسته که به‌شایمان دشمنان انقلاب توجه نکنند.

توده‌های میلیونی...

بچه از صفحه ۱

«از صبح روز چهارشنبه گذشته، صفوف بی‌پایان مردم، در زیر باران شدید و هوای بسیار سرد، به حرکت درآمدند. انبوه مردم، در جالی که صلابت رهبر انقلاب پیشاپیش آنها حرکت داده میشد، چتر در دست، با شمار یکپارچه هرگز بر آمریکا، هرگز بر رنگان» بجانب میدان آزادی در حرکت بودند. زحمتکشان که از قتل جنوبی تهران به حرکت درآمد بودند، شمار می‌دادند: - دشمن اصلی ما آمریکاست - درود بر خلیف، سلام بر شهیدان - ساعت ۱۰ صبح، صدای جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد که به ملت هوای بد را می‌باید نوازد. اما بنا به گزارش خبرنگاران قلمه مردم: «توده‌های خلق زیر باران تند بهاری که پیوسته شدید و شدیدتر میشد، به راهپیمایی ادامه دادند. در دست آنها پلاکاردهای دیده میشد که بر آنها نوشته شده بود:

- برادر، برادر، پیش بسوی اتحاد
- «سازش» که تسلیم کرد با آمریکا
- جهان اسلام بیست آمریکا گرفتار است
- آنچه بیشتر از همه در میان صفوف مردم پوشش می‌بخورد، دعوت به اتحاد زیر رهبری امام خلیف بود:
- هر چه مستحکمتر باد پیوند همه قشرهای ملت زیر رهبری امام خلیف
- ساعت ۱۱ صبح، انبوه جمعیت با شمارهای: - دشمن اصلی ما آمریکاست، آمریکا - پس هرگز بر آمریکا

- استقلال آزادی، جمهوری اسلامی - به میدان آزادی رسید و مراسم آغاز شد. در ابتدای این مراسم، پس از اجرای چند سرود انقلابی توسط گروهی از نوجوانان، آیت‌الله خلیف عضو شورای نگهبان قانون اساسی، سخنانی ایراد کرد. وی با اشاره به شور انقلابی و حضور فعال مردم در میدان گفت: «توده‌های آمریکا و سازمان‌های سیاسی آنرا به زانو درآورده، از سطح بالای آگاهی سیاسی مردم سخن گفت. وی همچنین با اشاره به فرمان امام خلیف در زمینه حاکمیت قانون بر جامعه، از جمله گفت:

«باید این قانونی که نتیجه خون این همه شهید و تلاش این همه انسانهای زنده و متحرک است، بر سر سرس کشور و بر سر سرس جامعه ما حکومت کند. وی از همه مقامات و مسئولان و همه گروه‌ها خواست که این قانون را بپذیرند، «با بسیاری از تشویرها از این پرونده و قانون بر جامعه حاکم شوند. در پایان قطنامه مراسم قرائت شد. در قسمتی از این قطنامه، ضمن اشاره به لزوم حفظ وحدت در شرایط کنونی، از دادگاههای انقلاب و شدت عمل بیشتری نشان بدهند. در این قطنامه همچنین از مسئولین امر خواسته شده بود تا فرامین امام خلیف را در مورد ایجاد وحدت و جلوگیری از هرگونه تفرقه اجرا کنند و در تحقق پیشین پیام دهم‌ام‌ام و مودادیم نوروزی رهبر انقلاب از هیچ کوششی دریغ نوزند. قطنامه همچنین به‌بشایمان همه‌جانبه مردم ایران از زحمتکشان انقلاب در جبهه‌های جنگ اشاره کرده و از تمامی کارگران، کشاورزان، کارمندان و اقشار متشده مردم قهرمان ایران خواسته بود که «همچون گذشته هر چه بیشتر در تولید کوشیده و در مصرف صرفه‌جویی کنند. در قسمت دیگر این قطنامه، با اشاره به فرمان نوروزی امام خلیف مبنی بر اعلام سال جدید به‌بشایمان سال حاکمیت یافتن قانون در کشور، از تمامی کارگزاران خواسته شده است که در اجرای این امر یکپوشه، قطنامه مراسم همچنین حمایت مردم ایران را از اتحاد تمامی محرومان و مستضعفان جهان

علیه تحسین «با سرگونی کامل جهانواران، بویژه شیطان بزرگ آمریکا لعان کرده بود. در این قطنامه همچنین آمده بود: «آمریکا این سلفه‌گر خونخوار را؛ بی‌پایانگه‌های نظامی خود در کشورهای مسلمان‌ترین سر در سرکوب نمودن اسلام را دارد و قیادت که نیرنگی ست و ضعیف (است)»... در پایان این قطنامه، تشکیل «نیروی واکنش سریع» که از جمله جمله‌های مکرر شیطان بزرگ است و نیز جنایات ضدانسانی سوسیالیست تبهکار در حله اخیرش به جنوب لبنان شدیداً محکوم شد. مراسم تهران در فریادهای پرشور مردم، که ۱۲ یاز هرگز بر آمریکا را به‌مناسبت ۱۲ فروردین با ختم تکرار می‌کردند، پایان گرفت. براساس گزارش خبرنگاران قلمه مردم: «شهرستان‌های مختلف کشور هم مراسم سالروز طسرتار جمهوری اسلامی ایران» یا شکوه تمام بر گزار شد:

تبریز

به گزارش خبرنگار قلمه مردم از تبریز، از اولین ساعات بامداد روز چهارشنبه ۱۲ فروردین، در میان برف و سرمای چند درجه زیر صفر، مردم قهرمان تبریز به خیابانها آمدند تا سالگرد جمهوری اسلامی ایران را به روز گلگانی و وحدت تبدیل کنند. مردم تبریز که پلاکاردهای چون: - دوازده فروردین سالروز رسمیت یافتن حکومت مستضعفین بر مسکین در ایران است. - دوازده فروردین سالروز جمهوری اسلامی ایران، برهبری امام خلیف، طایفه پیروزی مستضعفین پس مستکین جهانی، پسرگردگی آمریکا گرامی باد. در دست داشته، در حالی که شمار می‌دادند: «خلیف یاور مستضعفین، آمریکا دیر دشمن مستضعفین» (خلیف یاور مستضعفین، آمریکا دشمن مستضعفین) «مسلمان به‌بشایمان آمریکا در کین است» بسوی میدان تبریز به حرکت درآمدند. در این محل، تحت‌الاسلام موسوی رئیس دادگاه انقلاب اسلامی طی سخنانی، از جمله گفت: «دوازده فروردین روزی است که رای دادیم تا ملتون بماند، رای دادیم تا شیطان بزرگ پایش از این مملکت قطع شود، رای دادیم تا مسئولان نظامی آمریکا و کافران و استکبران در این مملکت حکومت نکنند، رای دادیم تا امام خلیف در راس ولایت قیام رهبر ما باشد. در پایان مراسم، قطنامه مردم تبریز قرائت شد که در آن مردم حمایت مجدد خود را از رهبری انقلاب اعلام داشته بودند.

رامسر

براساس گزارش خبرنگار قلمه مردم از رامسر، مراسم روز جمهوری اسلامی ایران در این شهر به‌بشایمان بارندگی شدید با جمع گروه کثیری از مردم در سطح بازار رامسر با شکوه فراوان بر گزار شد. شیون، نماینده مردم کرج، طی سخنانی سیاست تشنج آفرینان و مخالفین خط امام را در جهت شیبت خط ریگان نامید.

بابل و ساری

در بابل و ساری نیز مراسم بزرگداشت سالروز استقرار جمهوری اسلامی ایران در میان ریش شدید باران در میان شمارهایی چون جمهوری اسلامی خوبه‌های شهیدان، جمهوری اسلامی امید مستضعفان هر از اتحاد ملت آمریکا و حجت دانه مزدور آمریکائی توطئه در سر دارد بر گزار شد. پس اساس گزارش خبرنگاران قلمه مردم در شهرهای دیگر کشور هم مراسم ۱۲ فروردین باشکوه تمام بر گزار شد.

میخواهند مجوزی درست کنند برای اینکه به‌منطقه‌های ما اعلام می‌کنیم شعارها را آمریکا در ایران متعلق به گروه و دست خاصی نیست، متعلق به سراسر ملت ایران است. این ملت بی‌اراست که خود را شناخته است و فهمیده است که در طول سالها بیست و هفتاد گذشته آمریکا به روز این ملت آورده است. بی‌بشایمان امروز تمام آمریکا هستند دشمن مردم ایران از آمریکا و دشمن رژیم‌های غربی بی‌بشایمان امروز دیگر برای مردم ما پیوسته رادوبوهای بیگانه و مزدور این حرفها قابل قبول و قابل شنیدن نیست. امام جمعه تهران تأکید کرد:

ضمین یادآوری کوشش خستگی ناپذیر مسئولان و کارکنان در زمینه تأمین نیازمندیهای مملکت به‌این نکته اشاره کرد که با وجود از کارافتادن اکثر بنادر، میزان ورود کالا و حمل آن از ۳۰ هزار تن در روز به ۶۰ هزار تن افزایش یافته است. وی همچنین از «برنامه‌های خوبی» که در ستاد وسیع اقتصادی در دست تیه و اجراء است سخن گفت و یادآور شد یکمک برادران کارگر و مسئولین متعهد موفق شدیم سطح تولید را در کارخانجات بالا ببریم و از میزان ضرر تأخیر زیادی بکاهیم. وی همچنین با اشاره به توطئه دشمنان انقلاب برای ایجاد عدم ثبات و جلوگیری از «برنامه‌ریزی دولت ملت و همه‌جانبه اقتصاد کشور» گفت: «ما با برادران در هیئت دولت هر قدم شدیم که این برنامه‌ریزی را در سال آینده به انجام برسانیم. وی همچنین گفت: «در زمینه بازگشت خارجی قول می‌دهم تا حد امکان در مورد کالاهای اساسی اقدامات مهمی شود و مساله ارضی به بهترین شکل حل خواهد شد. وی در پایان از تمام مسئولان و کارکنان خواست که تولید را در دهه جا افزایش دهند. وزیر مشاور همچنین از تمامی مردم فداکار و قهرمان ما که تمامی این مشکلات را تحمل کرده و میکنند و یار و پشتیبان دولت در اقدامات انقلابی‌اش هستند سیاست‌گذاری کرد. سپس - حجت‌الاسلام، خانه‌های امام جمعه تهران طی سخنانی ضمن ابراز اطمینان از پیروزی انقلاب در مقابل تمامی مشکلات از مسافرت

ضمین یادآوری کوشش خستگی ناپذیر مسئولان و کارکنان در زمینه تأمین نیازمندیهای مملکت به‌این نکته اشاره کرد که با وجود از کارافتادن اکثر بنادر، میزان ورود کالا و حمل آن از ۳۰ هزار تن در روز به ۶۰ هزار تن افزایش یافته است. وی همچنین از «برنامه‌های خوبی» که در ستاد وسیع اقتصادی در دست تیه و اجراء است سخن گفت و یادآور شد یکمک برادران کارگر و مسئولین متعهد موفق شدیم سطح تولید را در کارخانجات بالا ببریم و از میزان ضرر تأخیر زیادی بکاهیم. وی همچنین با اشاره به توطئه دشمنان انقلاب برای ایجاد عدم ثبات و جلوگیری از «برنامه‌ریزی دولت ملت و همه‌جانبه اقتصاد کشور» گفت: «ما با برادران در هیئت دولت هر قدم شدیم که این برنامه‌ریزی را در سال آینده به انجام برسانیم. وی همچنین گفت: «در زمینه بازگشت خارجی قول می‌دهم تا حد امکان در مورد کالاهای اساسی اقدامات مهمی شود و مساله ارضی به بهترین شکل حل خواهد شد. وی در پایان از تمام مسئولان و کارکنان خواست که تولید را در دهه جا افزایش دهند. وزیر مشاور همچنین از تمامی مردم فداکار و قهرمان ما که تمامی این مشکلات را تحمل کرده و میکنند و یار و پشتیبان دولت در اقدامات انقلابی‌اش هستند سیاست‌گذاری کرد. سپس - حجت‌الاسلام، خانه‌های امام جمعه تهران طی سخنانی ضمن ابراز اطمینان از پیروزی انقلاب در مقابل تمامی مشکلات از مسافرت

حجت الاسلام خامنه‌ای...

بچه از صفحه ۱

سراسر ملت ایران است و مردم با قاطعیت در مقابل تمام توطئه‌های ناپسندانه‌ها، سیاست، پیش از خلیف‌های نماز، مهندس به‌بشایمان وزیر مشاور دولت امور اجرائی و مستخکومی دولت طی سخنانی شروخی صورتی از ناپسندانه‌های اقتصادی کشور که در واقع میراث‌شوم نظام منط ناشناخته‌ها در کشور است ارائه کرد و از اقدامات دولت برای تغییر این سخن گفت: وی با اشاره به سیاست رژیم گذشته یعنی بر مکن کردن اقتصاد ایران به‌بشایمان وابسته کردن تمامی رشته‌های اقتصادی آمریکا و انحصار غریبه گفت: «دکتری کرده بودند که مجبور بشیم برای زنده ماندن روزی هر ۳ میلیون بشه گفت به‌بشایمان صادر کنیم. وی همچنین به‌بشایمان اقتصاد ورشکسته، به‌بشایمان صنایع و کشاورزی درم ریشته زمان رژیم شاه اشاره کرد و گفت: «بشکل همان به‌بشایمان ما هر ۳ میلیارد تومن کسری بود» حجت‌الاسلام و عوامی که بیست دولت افتاده بودند، ۱۶ میلیارد تومان ضرر می‌داد. وی سپس شرح مشکلات اقتصادی را در تمام زمینه‌ها یا مردم انقلابی ایران در میان گذاشت و گفت: «این گزارش‌های بد را با مردم بیادند که از نظر اقتصادی چه مشکلاتی وجود دارد. قان‌آوردی که اعتراض می‌کنند چرا عیلما کم است اسل، بداند در چه وضعیتی قرار داریم. وی سپس

مناجات قضای را یاری‌رسانند

چرا رهبری «مجاهدین خلق» از حزب توده ایران طرفدار دارد

مجاهدین خلق در

*** اگر قرار باشد کسی در آینده روزنامه «مجاهد» سیمای انقلاب را ببیند و جامعه برآمده از انقلاب را بشناسد، در حسرت روزگار طاعت آه خواهد کشید!**

*** سیاسی که در لفظه امپریالیسم را دشمن اصلی می خواند، در عمل «مجاهدین خلق» را به دفاع**

و لغزشها، کمی آنرا دست کاری کرد و با افزودن فصولی گوشت ماهیت رژیم شاه و اصلاحات دستوری او و راهی روشن تر نشان دهد. ایراداتی که آقای رجوی، مثلاً بهرگه "حزب توده ایران" به آنها استناد میکند، تا حد زیادی در این فصول جدید و "آپایان گفتار" کتاب رفع شده و در بیشتر کتاب نیز به آن اشارتی رفته است.

مقاله محترم در آستانه تدارک ترجمه فارسی، با افزودن فصولی که حوادث را تا سالهای هفتاد دنبال میکند، متن حاضر را نسبت به متن سابق مکمل تر ساخت و همچنین در دقیق تر ساختن برخی جاها و با افزودن بندهای هاگوشیدهاست. (۱۵)

اما آقای رجوی کاری به این کارها ندارد. قصد اصلی لحن مال کردن حزب توده ایران و دامن زدن به سوءظن ها و بی اعتمادی ها در پیرامون آنست. به چه قیمتی؟ این دیگر مهم نیست. موازین اخلاقی را، اگر منافع ایجاد کند، میتوان موقتاً نادیده گرفت. اپورتونیست ها را با هر تشدید و آزرایی باید خوار کرد.

آقای رجوی احتیاجی با چنگ انداختن به ضریح های کاذب؟
آقای رجوی یک و راست به این پرستی پاسخ نمی دهد. اما عمل اورا ستاراز هر فریادی میگوید.

... به ...

آقای رجوی امرارادربه خاطر خوانندگان خود باوراند که حزب توده ایران «انقلاب سفید» دست پخت شاه را تأیید می کرد. لابد تبعید و عقوبت رهبران حزبی و شکنجه و زندان های طولانی و قتل و اعدام مبارزان حزبی در تمام طول سالهای اختیاری این تأیید بود. دست به تأیید دادن المثل معروفی است که: دروغ گفتن مالیات بندی خواهد بود. اما تست دادن دروغی به این کراهت، به حزبی که سالها زندان و شکنجه برخی از رهبران خود را در دوران حزب توده ایران می گذارد، توی ذوق نزنند. به نمونه ای از این تخریبها و چشم بندیها توجه کنید:

«مجزرگویی اقدامات ترقی خواهانه شاه» (۱۷)
«حمله و اتهام بدگمانی صادق به نفع دربار شاه» (۱۸)
«سرنوشتی رژیم شاهنشاهی لزومی ندارد» (۱۹)
«ستایش از رژیم شاهنشاهی عنوان هم و آوای زمامداران آن با مبین پرستان» (۲۰)
«تأیید اقدامات ترقی خواهانه شاه برای بدست آوردن حق فعالیت علنی» (۲۱)

رهبری «مجاهدین خلق» به خیال خود، می خواهد لقا کند که حزب توده ایران ستایشگر ضحاکي بوده است که راهی رویشده از شاهنشاهی، از مغز و جان و دارترین فرزندان او تغذیه می کرد. این تلای مبد، سخیف تراز آنست که جدی گرفته شود. اما بخاطر فصل مشترک «مجاهدین خلق» با انواع بسیار متوع دشمنان قسم خورده حزب ما و رهبران انقلاب، در نیستی قبر مداوم این اجساد گدیده، در تکرار خستگی ناپذیر این ابعات زنگ زده، بخاطر افتادن برخی از نیروهای کم تجربه مردمی در این تله، بر ذمه خود می بینیم که بکار دیگر ملال افشای این دعای ربه خود بخیریم.

درباره مناسبات ما با دولت دکتر مصدق، حالا دیگر آسودگی های حزبی و غیر حزبی آنقدر هست که برای وجدان های بی غرض شبهه باقی نگذارد. با این حال، مادر مقاله مستقل دیگری، در ارتباط با «مجاهدین خلق» باز هم بمنوی به این سلسله خواهم پرداخت. می ماند بگر برچسب های ناچسب «مجاهدین خلق» که مطور کذرا بهامه آنها را می کشیم.

۱- «ستایش و تأیید» حزب توده ایران از اصلاحات شاه
رهبری «مجاهدین خلق» می داند که دروغ می گوید، و بازمی گوید. چرا؟ با مقالات و تحلیل های حزب توده ایران را در گرو ماگرم اصلاحات شاهنشاهی و بی آزان، بارها بطور جداگانه و با یکجا تجدید طبع و تکثیر کرده ایم. «مجاهدین خلق» که در یافتن لحظه ها و رگه هایی در میان انبوه آثار حزبی، که بتوانند آزان پیرهن عثمان علیه ما سازند، چنین شاه تیز و قریحه چابکی نشان می دهند، آیا ممکن است انبیه شاه و مدرک و مثال را ندیده باشند؟ عقل سلیم این اهمال را باور نمی کند. اما اگر هم خود را به خوشبینی صرف بسپاریم و خیال کنیم که این اهمال سهوی است، آیا عصاره اعتقادی حزب توده ایران، که بارها از طریق رادیوییک ایران، روزنامه «مردم»

آقای رجوی امر دسترگی گفته است:
«فقط مردگان اشتیاقی کنند.» (۹)
اما سترگ مرد دیگری به روی این سخن درجه دیگری هم کند ما است:
«پافشاری روی اشتباهات و ادامه آنها خیانت است.» (۱۰)
شما به این حرفها اعتقاد دارید؟

چرا رهبری «مجاهدین خلق» تاریخ حزب توده ایران را تحریف می کند؟

کفتم که رهبری «مجاهدین خلق» از کت و شند و بی واسطه با حزب توده ایران احتراز میکند. آنها میدانند که در چنین مجلسی نخواهند توانست تاریخ حقیقی را کلا اندود کنند و سیمای یک حزب سیاسی را، که ترازنامه انقلابی ترین طبقه اجتماعی نیز هست، در شکستهای آینه تاریخی که دست پرورده کاتبان درباری و مورخان و اندیشمندان نوع رستگاری است، منعکس کنند. آنها میدانند که صدای تاریخ حزب توده ای ما در طنین امواج رودخانه خونینی که نبض سمنل از شهدای زنده و مرده این مهبین رسنج و حماسه در آن می تپد، بر تنق های غرض لود و مبتذل سفت خواهد گرفت و خطاب به حقیقت، گمنام تر از هر سیاه و افسونی است، فریاد خواهد زد:

حرف آخر را تو بزن
رهبر «مجاهدین خلق» تحمل شنیدن تفاوت تاریخ را ندارد. از این روست که به ضد تاریخ، یعنی بهمان کاتبان و دبیران دست آموز و روی مبارود و بادست آنها جفا خود را فرود میبارد:

«حزب توده از دیرباز پیوسته از خط حمایت از قانون اساسی شاهنشاهی، تا تأیید صریح و نیمه صریح انقلاب سفید، تا خط دولت موقت و خط اسام در گذر بوده و در هر مقطع نیز دلائل به اصطلاح مبسوطی برای توجیه این خطاها در آستین حاضر و آماده داشته است.» (۱۱)

آقای رجوی، دست نکندارید. افترا زدن عاقبت خوشی ندارد. بذری است که در یاد افشاند می شود. کسی که برای خود حقانیت قائل است، احتیاجی به این عصارهای پوسید ندارد.

اما آقای رجوی خیلی مطمئن و محکم حرف می زند:
«من دلیل دارم!»
«خوشا به صدقاتان! پس علی الحساب یکی از این دلائل محکوم کننده را رو کنید، تا ببینیم به اصطلاح چندمردم حلاجید.

آقای رجوی می گوید:
«صبر کنید چند سطر تاریخ کلاسیک مورد قبول و تأیید حزب توده را برایتان بگویم. مسئله قدری بیشتر روشن خواهد شد: صفحه ۲۲۷ (مورد اصلاحات ارضی شاه)؛ «از دورانی که در ایران اصلاحات ارضی آغاز گردید، در اقتصاد کشور پیشرفت های شایان توجهی انجام گرفت و در ارفع عقب ماندگی اقتصادی کشور گام مهمی برداشته شد.»

و با در صفحه ۲۵۹ کتاب نظرهان موقع حزب توده نسبت به ۱۵ خرداد می توان به عینه خواند که: «بخش ارتجاعی روحانیون به اتفاق نیروهای ارتجاعی ملاکان، از انارخوسندی قشرهای وسیع حاکمانان که علی رغم برخی اقدامات رفرومیستی رژیم هر روز شدیدتر می شد، استفاده می کردند. از جمله این محافل گویندند که تظاهرات وسیع مردم را در ژوئن سال ۱۹۴۲ (محرّم ۱۳۴۲) که استفاده از امکانات تجمع در روزهای سوگاری آزادیگن ساختیم، در جهت هدف های خود مورد استفاده قرار دهند. پس از سرکوب این تظاهرات بوسیله مأموران نظامی آیت الله خمینی که از جهت پیشترش ایران بود، بازداشت و از کشور تبعید گردید. در این حوادث عدم دیگری از رجال روحانی بازداشت شدند و آیت الله خمینی که در نجف (عراق) اقامت گزیده بود، به تبلیغات علیه دولت، علیه اصلاحات ارضی و برابری حقوق زنان پرداخت...» (۱۲)

برداشت بیرونی ایوانف، مولف «تاریخ نوین ایران»، در زمینه های مورد ایراد آقای رجوی، البته مورد انتقاد حزب توده ایران هم هست. سوی این انتقاد نظر بیرونی ایوانف، به هر حال نظر بیرونی ایوانف است. چگونه می توان این برداشت را به حساب حزب توده ایران نوشت؟ اما پیش از آنکه چنین سخنی به زبان آید، بانگ اعتراض و شامت آقای رجوی به آسمان بلند می شود که: «مگر حزب توده در معرفی این تاریخ آنرا "تاریخ گناه" خوانده است؟ مگر تصریح نکرده است که این تاریخ "انظر حزب ما" که به ترجمه نوشته آن اقا ام کرده، یک تحلیل علمی مارکسیستی - لنینیستی است، که بر بنیاد پژوهش جامع مبتنی است و نمونه خود بررسی این سند تاریخی و علمی را به خوانندگان ایرانی توصیه می کشیم.» (۱۳)

آقای رجوی، کجمنی از حقیقت را می گوید، نیم دیگر آنرا به نفع خود صادر می کند. نیم حقیقت، همان مدفن حقیقت است. آقای رجوی اما با این زرنگی، «چند قافیه ریجکجا می یازد:

او و جمعی از اینجنگار حزب توده ایران بز «تاریخ نوین ایران» اشاره کرده و آنرا سند عقاید ما خوانده است. اما ترجمه داده فراموش کند که حزب توده ایران، هم در همان پیشگفتار و هم در ۱۵ سال زودتر از ایشان، خود مسئولان تریه ایرادات اساسی کتاب بیرونی ایوانف برداشته و آنها را زیر ذر بین گذاشته است. توجه بفرمائید:

«... اما نقیصه عمدی که به نظر نگارنده نمی توان از کنار آن گذاشت، چگونگی برخورد مولف با اصلاحات اخیر شاه و ارزیابی پارهای واقع پس از اجزای این اصلاحات است. نظر مولف در باره اصلاحات شاهنشاهی و واقع پس از نظری واقع بینانه است. وی آنها را سطحی دانسته و دارای تأثیر عمیق یعنی شماره اولی در ارزیابی واقعی که پس از شروع این اصلاحات ارضی رخ داده است، مومین دچار اشتباهی می شود و مبارزاتی را که شدم است، غالباً منتسب به مرتجعین فتودال می داند. چنین وقایع خرداد ۱۳۴۲ نیز تماماً به حساب ارتجاع گزارده شده و توجه به شرکت عظیم مردم و اینکه شعارهای آنها بطور عمده ضد سلطنت و در جهت سرنوشتی رژیم بوده، نشده است. برای مولف کتاب که تخصصی تاریخ ایران است، تحلیل این موضوع مشکل نیست که چنین تحریک بی سابقه ای را در مردم، هیچگونه تئوری ارتجاعی نمی تواند بسوزد آورد. در این مورد بهترین و معتبرترین منبع استفاده برای مولف می توانست تحلیل های کمیته مرکزی حزب توده ایران قرار گیرد، نه اطلاع این یا آن روزنامه و مجله.» (۱۴)

آقای رجوی، نظر حزب توده ایران را درباره اصلاحات نیم بند طاعتی و جنبش مردمی ضد سلطنتی ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، از این واضح تر می خواهد؟

۲- «تاریخ نوین ایران» تحقیق ارزنده ای است که متأسفانه از لغزش های مضمون نماند است. اما هنگامی که حزب توده ایران تصمیم به نشر این اثر گرفت، مولف تاریخ، به توصیه محققین حزب ما، برای جبران این نقصها

«مجاهدین خلق» برای توجیه ظفره رفتن خود از بحث اصولی با حزب توده ایران، به دستاویزهای غربی متوسل می شوند. آقای مسعود رجوی با قیافه قبح بجانب میگوید:
«در این خصوص ما یک ملاحظه اصولی را مراعات کرده ایم.» (۱)
چشم ملاحظه ای آقای رجوی؟
آقای رجوی قاعدتاً باید وانمود کند که از این سوال شکست زده شده است:

سایر دیگر از روز روشن تراست... «والا ما همواره از گفت و گو با مخالفین و منتقدین سیاسی، ایدئولوژیک خودمان استقبال کرده و می کنیم.» (۲)

آقای رجوی توضیح میدهد:
«علت ترد مراجعات عیدیه حزب توده از جانب ما به فقدان یک برخورد صادقانه و درست در موضع گیری ها و نوشته ها و تألیفات این آقایان بر می گردد.» (۳)

اگر اینطور که شما ادعا می کنید، باشد، آنها باید رفتاری به عکس داشته باشند؛ آنها باید از این دعوت و مباحثه بعنوان یک فرصت طلائی استفاده کنند، و این «فقدان برخورد صادقانه و درست» را، که به تصریح شما، با انواع اپورتونیسم، سوداگری های سیاسی و سالیوس و شعیبه است، افشاکند؛ آنها برای افشای حزبی تا این حد «مؤنی و خطرناک» هیچ مسئولیتی در برابر توده ها احساس نمی کنند؛ اصلاً صدمه ای به دلیل همین «فقدان برخورد صادقانه و درست در موضع گیری ها و نوشته ها و تألیفات این آقایان» به دلیل «ناهی گویی، انحرافات و سطحی نگری های عوام فریبانه حزب توده، که ریشه اشکی امپریالیست ها و استعمارگران خلق را به تأخیری اندازد»، «بدر دلیل» اپورتونیسم سنتی ریشه داری که در سراسر تاریخ این حزب «شرطی شده است» (۵)، بهیتر و فوری تر موقوفید، تا رودر روی آنها بنشینید و این ترغیبها و انبوه های مملک را در پیشگاه خلق روی دایره بریزید. در یک مباحثه زنده و حضوری این وصله دیگر به شامنی جسد که تنها به قاضی رقابت و راضی بر کشته آید. وانگهی، گفتن حقیقت شرط و شرط نمی خواهد. وفاداری به حقیقت خود جهاد بزرگی است. و اتفاقاً گفتن حقیقت و رواج آن در جای بی مردم تراست، که حقیقت قایب تر است.

آقای رجوی میگوید:
«اگر آقایان بتوانند برای یک بار هم که شده صداقت نشان دهند، آن وقت شکی نیست که ما آماده خواهیم بود، تا در یک گفتگوی رودر رو به بحث بنشینیم.» (۶)

آقای رجوی باز هم شیور را از دم کتاش میزند. وی گویند که فراموش کرده است که این افراد نیروهای صادق نیستند که از یک گفتگو و بحث زنده و روشنگر طفره میروند، بلکه آنان که «صداقت ندارند» و طبیعی است که رنگی به کفشان دارند، از چنین رودر روی هایی میگریزند و با تئورین پیش شرط و پس شرط، عذر و بهانه میآورند. شما که ظاهر می کنید همه حقیقت بجانب شما و همه حقیقی ها در جهت ماست، شما که سیاست و اصول خود را انقلابی ترین و روشمندترین شی می میدانید، برای لوت کردن و موقوف کردن یک بحث عادلانه در شرایط مساوی، بهانه تراشی می کنید؟ ما صداقت نداریم؟ مفت چنگ شما! مشتاقان را باز کنید. دلائل این بی صداقتی را اگر واقف و موجود در دست ناکتر از سبیلی، به گونه ما بنویسید. بگذارید از صدای این سبیلی رسوا کنند، هم چشم ها و گوشت های حقیقت جو بظرف ما برگردد.

آقای رجوی میگوید:
«در این خصوص ما یک ملاحظه اصولی را مراعات کرده ایم.» (۷)
ما هم این گفته را باور داریم. بای «یک ملاحظه» در میان است. اما این «ملاحظه»، علی رغم دعوی آقای رجوی، به هیچ وجه «اصولی نیست»، ضد اصول است. آقای رجوی مخالف گفتگو و «بحث» کردن با حزب توده ایران، نیست. مگر اختصام دادن به رژیم شاه ۳۰ ساله که منتهی به مجاهد بیرخاستی به حزب توده ایران، خود بحث نیست؟ مگر قرار دادن سیاه های متعدد در برابر ما، ریختن آزاری از افترا و دشنام بر سرمان، از آغاز گفت و گو در محضر مردم نیست؟ پس چرا «مجاهدین خلق»، در همان حال که در عمل با ما درگیر بحث و جدال اند، در لفظ این مباحثه را حاکمان می کنند؟ چه کمیتی در این تناقض پنهان است؟ لازم نیست به فرزندان فشار بیاورید، تا این معما راحل کنید. حال این معما ساده در خود «مجاهدین خلق» از بحث با حزب توده ایران ابائی ندارند. بر عکس، خیلی هم برای چنین دست و پنجه نرم کردنی راغب اند. منتضی آنها ترجیح میدهند که در این بحث و روشنگری، هم، سوال را، هم جواب را، خودشان تعیین کنند. ترجیح میدهند که جلسه، باشکوه و بحثشان، با پاسها و توضیحات مزاحم طرف دیگر، گذر نشود. در یک کلام، ترجیح میدهند که این میدان در انحصار مطلق آنها باشد. هم گوی در اختیارشان باشد، هم دروازه، به وجه بهتر که خریف شرم را کم کند. اینطور آسان تر میشود. هم ریش مندی را در دست خود گرفت، هم قیافه را بهتر میشود، تا به قول شکسپیر: «متکلم بود، اما سخن نگفت». یعنی درباره همه چیز و راجی کرد، تا درباره آنچه به نفعمان نیست، سخن نگویم. راحت تر میشود یک ذره بیرونی از حقیقت را در یک رودخانه آذرورج خل کرد و به خورد یک آبادی داد.

آقای رجوی و دیگر رهبران «سازمان مجاهدین خلق» میدانند که در یک بحث زنده و رودر رو، یک «متم» فرصت دفاع داده میشود، ما نخواهیم گذاشت آنها به اندازه یک کتاب قطور آسمان و برسمان بمانند، اما حتی یک کلمه تا قبل از درباره پرسش اساسی تا در این باره که: «جهت متحدان انقلاب در حال حاضر از چه نیروهایی میتواند تشکیل شود؟» نگویند.

در یک بحثی، بی شیلیم و دوطرفه، ما به رهبری «سازمان مجاهدین خلق» خواهیم گفت: هر چه دلتان میخواهد، ما به بحث بدهید. متعین ترین اتهامات شاه و ساواک و اقلیم های سیاسی را درباره «حزب توده ایران» طوطی وار تکرار کنید. ما نمی ندارد. اما لفظا به سوال ما هم جواب بدهید:

«سازمانهای و رابری جبهه متحد انقلاب انتخاب می کنید؟ شما که مارا از رگ و ریشها پورتونیست میدانید، شما که نیروهای بیروخط امام، جنبش سلیمان مبارز، فدائیان خلق (اکثریت) و حزب توده ایران را به عنوان «جبهه متحد ارتجاع» (۸) معرفی می کنید، با چنین نیروهایی میخواهید جبهه مقابل آنرا تدارک ببینید؟ با چه روهها؟ اگر هم تعدادتان مشتاق این وصلت باشد، خیال نمی کنیم که جبار ابراز علنی آنرا بخود بدهید. یا لبرالها که به جطور رویتان میشود؟ پس که میماند؟ خودتان با خودتان؟ این دیگر از حرفهاست! شما که بزگرترین درد انقلاب را انحصار طلبی حزب حاکم میدانید، شما که همه جا انحصار طلبی را به نام مبارزی در چشم خلق نشان داده اید، چگونه جرات میکنید که خودتان تا این اندازه انحصار طلب باشید؟ سکت نکنید. این سکت، جز نجات نیست. چه جوابی دارید؟

اگر جوابی ندارید، مگر نمی کنید که شرف و صداقت انقلابی که آقای رجوی نطق های غرضی درباره آن ایراد کرده است، بپایان نرسد؟ «جبهه متحد ارتجاع» را از منتقدان سیاست فلی تا ن پس میگوید؟

۱۵) تاریخ نوین ایران، ترجمه رفیق شهید هوشنگ تیرایی و حسن قائم پناه، پیشگفتار، ۱۳۵۹.
۱۶) مجاهد، شماره ۱۰۹، ص ۱۵.
۱۷) ۱۸) ۱۹) گوشه ای از فرصت طلبی ها... «مجاهد»، شماره ۱۱۰، ص ۱۶.
۲۰) ۲۱) ۲۲) ۲۳) ۲۴) ۲۵) ۲۶) ۲۷) مجاهد، شماره ۱۱۱، ص ۱۹.
۲۸) ۲۹) ۳۰) «مباحثه» برادر مسعود رجوی، مجاهد، شماره ۱۰۹، ص ۱۵.
۳۱) ۳۲) ۳۳) همان منبع همانجا.
۳۴) همان منبع همانجا.
۳۵) ۳۶) «مجاهد»، شماره ۱۰۲، ص ۲۰، مقاله «جبهه متحد ارتجاع» بر علیه مجاهدین خلق.

دین خلق از بحث رود درو با آیة الله خرمی رود؟

درداد گد حقیقت

باید
تلاش
واهد
صلی
دفاع

آتشین از مخالفان سرشناس خط ضدامپریالیستی
و مردمی امام خمینی وامی دارد و به نیروهای پیرو
خط امام، جنبش مسلمانان مبارز، فدائیان خلق
(اکثریت) و حزب توده ایران، با چنگ و دندان و
حتی با اسلحه افترا و دروغ و تحریف حمله
می برد...

و سر بریزیمینی "نوید" در داخل کشور، در عبارات زیرگفته و نوشته شده، خود پنهانی برای افشاء مدعیان کفایت نمی کند: "بین حزب توده ایران و رژیم شاهنشاهی از خون شهدا فاصله است. آیاتگیری روشن تر از این می تواند واقعیت اصلاحاتی را که شاه از بلا چون آبی بر آتش عصیان خلق می پاشد، بر ملا کند: "شاهمی خواهد بالیراد برخی تغییرات سطحی و ناپیچک در نظام موجود اجساعی ایران، این نظام را بسود حفظ منافع سلطنت مستبده، به سود منافع سرمایه داران و ملاکان، بسود حفظ منافع امپریالیسم تثبیت نماید. بهیمن جهت مابین سیاست شاه و سیاست تثبیت ارتجاعی نامگذاری کردیم." (۲۲)

"اجرای برخی اصلاحات نیم بند، کمترین آنها اصلاحات ارضی است و باز با راه دیرباره ماهیت آنها و محدود و نغور نغور آنها ساختن گفتیم. اجرای این اصلاحات با بیرون جلال ترین ویران و کزاف ترین تبلیغات دربار و باطنی "انقلاب سفید" همراه است، چیزی که فقط دروغ پردازی بی پروای شاه و نمایان او، بلکه بدوی بودن طرز فکر و شیوه و عمل آنها را نیز نشان می دهد." (۲۳)

تألیح حده که مجال امکان دست داد، راقم این سطور پیش از ۶۰ تغییر و تحلیلی، با سرشت نمونه فوق، در آثار و نشریات حزب توده ایران از آغاز اصلاحات شاه تا امروز، بافتناست. و این کجین که همگام است که در برای زهریاشی "مجاهدین خلق" و اسلاف آنها، که زیر نام معلم های دیگری سینه می زدند، حزب توده ایران و تسهالین حزب بوده است که جامع ترین و علمی ترین بررسی ها و تفسیرها را در باره مواضع افق ها و انگیزه ها و اعمال اصلاحات شاه فراهم آورده است. در آن هنگام و سال های مدید پس از آن، که چهره ها و ملی نمایان در برابر اتهامات امپریالیسم و اصلاحات آن چندی شامخ و خلم سلاح ضد توده بودند، به از موضع افراطی چپ بکلی واقفیت این اقدامات را حاشا می کردند و با از موضع راست در برابر آن لنگ می انداختند. حزب ماجوایب مختلف و آثار و عوایب آنرا می گاوید و به توده مهاشدار می داد.

"حتی در صورتی که سیاست رفرومیستی کنونی تعقیب شود... ما با رژیم شاه به بجای دوری نخواهیم رفت و بهیوسته در زمره کشورهای عقب مانده بجان خواهیم ماند." (۲۴)

و در همان زمان حزب، را مبرون رفت جامعه ازین است، در گرو وظایف سنگامی می دانست که بر عهده نیروهای مبارز است:

- ۱- وحدت و تشکل کلیه نیروهای کما بجا در تحول انقلابی بی نظیرمانند
- ۲- عمل آنها در جهت افشای همه جانپوزیم و تجمیض مردم برای مبارزه علیه آن.
- ۳- استفاده از آنها از کلیه وسائل و شیوه های مبارزه علنی و غیر علنی، طرق مسالمت آمیز و قهرآمیز انقلاب برای برچیدن بساط رژیم کودتا و سلطنت مستبد و درهم شکستن بنیادی که استعمار و ارتجاع در برابر سیالنه تکامل اجتماعی ماکشید مانده." (۲۵)

۲- نسبت دادن این گمان به حزب توده ایران، که "سرنوشتی رژیم شاهنشاهی لزومی ندارد." (۲۶)

واقعا معصیت سیاسی بزرگی است که جزئی، با دعوی آلمان های انقلابی مبارزان راز سرنوشت کردن نکت مجسمی که در سیمای رژیم آدمی خوار شاه بر این ملک و ملت آوار شده بود، باز دارد. اما با پراستی حزب توده ایران، آن طور که گردانندگان نشریه "مجاهد" ادعا می کنند، لزوم سرنوشتی رژیم شاهنشاهی را انکار می کرد؟

"مجاهد" ادعا نامه خود را چنین طرح می کند:

"حزب توده: سرنوشتی رژیم شاه لزومی ندارد." (سوی حزب - شماره ۱، سال ۱۳۵۷)

و در زیر این نشریه، بخشی از مقاله "سوی حزب" را می آورد:

"آیا سرنوشتی سلطنت استبدادی شاه محتما باید با برانداختن سلطنت بطور کلی همراه باشد؟ به نظرمان... (۲۷)

گردانندگان نشریه "مجاهد"، برای بکری نشان دادن غرض خود، بدون رود رباستی مرتکب چند تقلب ناشایسته شده اند:

- ۱- آنها با گذاشتن تاریخ سال ۱۳۵۷ در زیر این جملات عسکتی و قلب وارفت شده، نخته خواسته اند و انمود کنند که گویا در آواخ نبرد انقلابی خلق با رژیم شاه و در آستانه پیروزی انقلاب، حزب توده ایران سرنوشتی رژیم شاه را از دستور روز خارج کرده است. در حالیکه مسئله از اساس با این نامشکی سک نمی خواند.
- ۲- اولاً: تاریخ انتشار دهمین شماره "سوی حزب" سال ۵۷ نیست، بلکه سال ۱۳۵۶ است.
- ۳- ثانیاً: مقاله مورد نظر در دهمین شماره "سوی حزب" چاپ نشده، بلکه در نهمین شماره این نشریه در چشده است. و تازه تاریخ انتشار نهمین شماره نام "مردم"

۲۲ و ۲۳) شاهجه میخواند و ما چه میخوانیم "دنیای نشریه سیاسی و تئوریک کمیتر مرکزی حزب توده ایران، سال چهارم شماره ۳، یانیز ۱۳۴۳

۲۴ و ۲۵) احسان طبری، دنیای شماره ۳، سال ۱۳۴۳، ص ۸۷

۲۶) مجاهد، شمار ۱۱۱، ص ۱۹

۲۷) همان منبع، همانجا

"سوی حزب"، اسفند ۱۳۵۵ است و نه سال ۵۷. ثالثاً: مقاله مورد بحث اصلا نخستین بار در شماره ۱۱ ماهنامه نیابور تاریخ بهمن ۱۳۵۴ چاپ شده و بعدها توسط نشریات دیگر، از جمله "نوید" و "سوی حزب" تجدید چاپ شده است. اتفاقا در این مقاله در "سوی حزب" منبع اصلی آن بطور مشخص ذکر شده است.

دقت نظر و امانت داری را می بینید؟

۲- مقاله یاد شده مدد مردم مخالف تلقین و تبلیغ گردانندگان نشریه "مجاهد" و تشنه آنها به معاطر اثبات لزوم سرنوشتی رژیم شاه نامعاصر شاه نوشته شده است. چه دللیلی محکم تر از عین نتیجه گیری خود مقاله:

"از مطالب فوق این نتیجه حاصل می شود که در شرایط کنونی، در برابر جنبش انقلابی ایران، یک وظیفه حتمی و مبرم وجود دارد و آن تجهیز و متحد ساختن وسیع ترین نیروهای ممکن برای سرنگون ساختن رژیم استبدادی شاه است. فقط در این صورت است که می توان برای خلق، برای زحمتکشان، برای طبقه کارگر این امکان را فراهم آورد که مبارزه خود را برای استقرار جمهوری ملی و دمکراتیک... گسترش دهند و به پیروزی رسانند." (۲۸)

مقاله "دنیای" با این شعار، که با خروف برجسته تری چاپ شده، پاهان می گردد:

باید گفت و تکرار کرد و مستدل نمود که: سرنوشتی رژیم استبدادی شاه شرط مقدماتی و اجلی برای استقرار جمهوری... در ایران است." (۲۹)

خنده دار است نه؟ از چنین مقالو محتوایی، استخراج تبتیر "سرنوشتی رژیم شاه لزومی ندارد"، بیشتر به مزاح و خوشمزگی شبیه نیست؟ ولی در ته این فکاهه، ضعف درامد مای که به هر ریمان بوسیده های چنگ می اندازد، دست و پا می زند. نه، لیخند نزنید. باید متأسف بود. برای سازمانی که خود را انقلابی ترین و مصدتر ترین نیروی مبارز سیاسی ایران تصور می کند، به معاطر این همه تنزل، باید عمیقا متأسف شد. اختناق دهری و پراخت، چه مصافی که بر سر اخلاق و اصول نگوخته است. ما تاوان چنددهه منوعیت فضیلت و تیرباران حقیقت و زیبایی را می دهیم. آثار آن کا بوس تاریخی به این زودی ها و به این آسانی هازا بلعدنی نیست. اما بد نیست روی مستمکی که "مجاهدین خلق" را قادر ساخته، از چنان مقاله ای چنین تبتیر و مضمون اغواگری را بیرون بکشند، اندکی مک کنیم.

مقاله مورد نظر، همان طور که در تبتیر دوم آن (برخی نکات در باره شکل، نوع و ماهیت دولت) منعکس است، اشکال احتمالی تحول اجتماعی ایران را بررسی می کند.

در شمای تئوریکش طرح می کند که در مرحله نخست تحول: "آیا سرنوشتی سلطنت استبدادی شاه محتما باید با برانداختن سلطنت (بمنابه شکل) همراه باشد؟"

و از دیدگاه رویدادهای ممکن جواب می دهد، به نظر ما، نه.

و بلافاصله با توضیح خود هرنوع تردید و ابهام را می شوید. به عین جملات خود مقاله توجه بقرما باید:

"به نظر ما، نه. تساهل و تلاش جنبش انقلابی ایران اینست و باید این باشد که سرنوشتی سلطنت استبدادی شاه را با برانداختن سلطنت بطور کلی، یعنی این شکل قرون وسطایی دولت، همراه سازد. ولی می دانیم که تساهل و حتی تلاش نیروهای انقلابی برای بیخوردن اهداف تاکتیکی و استراتژیک به تنهایی کافی نیست. عوامل عینی و ذهنی، داخلی و خارجی گوناگونیک باید با هم جمع شوند، تا تساهل تحقق پذیرد و تلاش به نتیجه برسد. لذا مکنتس که حکومت فردی شاه و رژیم ترور پلیسی او از بین برود، ولی خود سلطنت هم چنان تا مدتی باقی بماند." (۳۰)

مقاله، ضمن بررسی دیگر احتمالات، شق سرنوشتی اساس سلطنت را دارای زمینه قوی معرفی می کند و تاکید می نماید:

"جنبش انقلابی ایران می گوید و باید بگوید که آن شکلی از دولت را، که تسریع کننده تحقق هدف های تاکتیکی و استراتژیک باشد، بیاید و تحقق بخشد." (۳۱)

خوب، آیا مسئله به اندازه کافی روشن شده است؟ "تسریع" از زبان زرتشت، به فرزانگان اندرز می داد: "از تف کردن در برابر باد خنجر کنید." (۳۲)

ای کاش خردمگبران ما از فرزانگان بودند.

۳- جنبش ۱۵ خرداد و ارزیابی نقش امام خمینی:

حتی خونی ترین دشمنان حزب توده ایران هم، پس از انتشار این همه سند و مدرک، دیگر جرأت نمی کنند، آن پاره های من در آورده را که گویا حزب ما با جنبش ۱۵ خرداد به معارضه برخاسته رهبری آن را مرتجع خوانده است، تکرار کنند. پس آیا سرنوشتی رژیم این همه مجرات را از کجای آورد؟ در جریان جنبش ۱۵ خرداد، دفاع اصولی حزب توده ایران از مبارزات مردم و پشتیبانی اش از روحانیت مترقی بعدی بود که طاغوت نیروی جنبش را "اتحاد سرخ و سیاه"، یعنی مذهب و حزب توده ایران خواند و مجله "خواندنی ها" جمع است تزهات را بدو دولتی و جراید زیر فرمان ساواک را در این فرمول متسلور کرد:

"آنگاه بی بیانی گاهی چنان از دین و روحانیت دفاع می کند که گویا وظیفه امامی بر عهده دارد." (۳۳)

به این منت نمونه خورار از مقالات و نظرات حزب توده ایران در بحبوحه و امتداد جنبش مردمی ۱۵ خرداد نگاه کنید، تا عیار صداقت ما و مدعیانمان بیشتر دستگیران شود:

"نچه هم میهنان ما را، یعنی سقور رژیم محمدرضا شاه نبود... در این روزها مردم به ظاهر بر دست رژیم اکتفا نکردند، بلکه به مقاومت فعال در برابر نیروهای مسلح دست زدند و برای غلبه بر این نیروها جانبازانه کوشیدند... بهجهانیان ثابت شد که تکیه گاه اصلی شاه سرتیروهای خونریز اوست."

(مردم - اول تیر ۱۳۴۲، شماره ۶۲)

"آیت الله خمینی، که مستثنی از توصیف است، در بیانات خود در روز جمعه ۲۱ فروردین ماه اسال در قم چنین گفته است: "من پاپ نیستم که فقط روزهای یکشنبه مراسمی انجام دهم و بقیه اوقات برای خود سلطنتی باشم و به امر دیگر کاری نداشته باشم. باید این مملکت را از این گرفتاری نجات داد." "اجانب نمی خواهند مملکت آباد شود. باید این آیت الله خمینی سیاست سکوت و سازش را محکوم به این ترتیب و تساهل"

۲۸) دنیای، بهمن سال ۱۳۵۴، شماره ۱۱، مقاله: "از سرنوشتی سلطنت استبدادی تا استقرار جمهوری ملی و دمکراتیک"

۲۹) همان منبع، همانجا

۳۰) "سوی حزب" شماره ۹، اسفند ۱۳۵۵

۳۱) "جنبش زرتشت"، فروردین، شماره ۱۳۱

۳۲) خواندنیها، شماره ۷۲، خرداد ۱۳۴۴

می کند و مبارزه علیه اجانب و حکومت فاسد شاه را واجب می نمد. (مردم - شماره ۸۷، ۱۵ خرداد ۱۳۴۳)

"آیت الله خمینی از زمره روحانیون بنامی است که طی سال های اخیر با رژیم مستبد شاه مبارزه می کنند و به این سبب مورد آزار و تعقیب و تحقیر واقع می شوند... تبعید آیت الله خمینی موجی از خشم و نفرت نسبت به رژیم شاه برانگیخته است. ما به نوبه خود به این تجاوز خود سرانه مقامات رژیم کودتا نسبت به آیت الله خمینی معترضیم."

(مردم - شماره ۹۲، سال ۱۳۴۳)

"ما به نوبه خود به این رویه زوربانه و حق شکنانه دولت - نسبت به آیت الله خمینی - شکایتا اعتراض می کنیم و با کلیه سازمان ها و اشخاصی که به دفاع از آیت الله خمینی برخاسته اند، هم آواز می شویم و همکاری و اتحاد آن ها را برای آزادی ایشان، شرط لازم می شمریم."

(مردم - شماره ۹۹، اسفند ۱۳۴۳)

حتی نیم نگاهی به تبتیرهای متعدد مقالات نشریات حزبی، گسترده کاری تبلیغی و تهییجی ما را بر مجروح جنبش ۱۵ خرداد و در راستای پیادهای ناشی از آن انکار می سازد:

هفته خونین خرداد ماه " (۳۴) "مردم از پیشوایان آزادیخواه و استقلال طلب دینی پشتیبانی می کنند." (۳۵) "تبعید آیت الله خمینی و تعطیل بازار" (۳۶) "روحانیون میهن پرست با قانون مصونیت و معافیت مستشاران امریکایی مبارزه می کنند." (۳۷) "به یاد خرداد خونین" (۳۸) "اعلامه آیت الله خمینی" (۳۹) "در معرکه خاورمیانه حکومت کودتا در سراسر بیخانت تازه ای است" (۴۰) "روی سخن ما با پیشوایان دینی و روحانیون است" (۴۱) "وقتی علیشدا..."

آقای رجوعی شما کمزیر شرایط بحث با حزب توده ایران، چاپ "عین تحلیل ها و مواضع گیری های حزب بر علیه... آیت الله خمینی" قرار داده اید. همین قدر راکافی می دانید؟ اگر این برگ سبز کفایت نمی دهد، لطفاً اینکتید. بگوئید، بخواید، هنوز این کنگره به ته دیک نخورده است.

از میدا - جنبش ۱۵ خرداد ۳۲ تا مقصد امروز، صدها مقاله و سند و خبر، حمایت فعال و بی تزلزل حزب ما را از آن طغیان حماسی خلق، از رهبری آن "امام خمینی" از روحانیت مبارز ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی، با وضوح هرچه تمام تر شهادت می دهد. می بینید که مثنی سیاسی امروز ما بهیچ وجه خلق الساعه و از سر مصلحت گرامی های تاکتیکی نیست. این مثنی ریشم دار، تداوم بی خدشه اصول مبارزاتی و اعتقادی ما است و هیچ جانبی با آن هابی ندارد که تا چند ماه پیش ترعه می زدند:

"رافضادستعلوی کهدر سها آغاز کردند، خمینی ها با هاروج رسانند" (۴۲) "بر تمام نیروها و جوانان انقلابی است که با احداً آتما دگی و جوانبازی، مواضع قاطع آن حضرت (امام خمینی) را پیگیری نموده و از بدل جان نیز دریغ نوزند" (۴۳) "مجاهدین خلق ایران ادا متمرکبی را سردار جنگل را در حمایت هرچه بیشتر از مواضع قاطع ضد امپریالیستی - ضد امریکایی امام خمینی یافتند." (۴۴)

و امروز ناگهان، همه تنبیه های آتشین و اشکها و ساجهای خود را قوررت داده اند، خود را طرفدار "انحلال نظام شاهنشاهی ارتش و جایگزین کردن ارتش خلق"، "تقسیم زمین"، "آزادی ها"، "روابط مختلف امپریالیستی" (۴۵) و غیره معرفی می کنند و امام خمینی را مخالف خود و همه این حرکت های انقلابی و دیگر موضع گیری های مترقی... و در حالی که به خود می بالند که "سالها با طاغوت جنگید هاند" (۴۶) از زبان تاریخ و نسل های آینده، با شجاعت به امام خمینی ایراد می گویند که:

"رهبری که تا آخرین سالها و آخرین لحظات، علیه طاغوت فتوی مبارزه و جهاد مسلحانه نداد." (۴۷) و با کتاب و طنبه های تلخ، درباره "وروشکتی تاریخی در کورد موروثی از اسلام" (۴۸) سلسله مقاله می نویسند و یکی نسبت از این آقایان برسد: آیا همه آن تئور و تحسین و اعلام آمادگی برای خون دادن و از سر جان گذشتن، برای رهبری بود که چنین جبهه ای از او می شناسید؟ چه کسی سیاست یک باهر دو هوارا انتقال می کند؟ چه کسی رندی را به مرزهای مصلحت گرایی و ایورتونیم بی نقاب رسانده است؟

سیمای انقلاب و جامعه کنونی ایران در نشریه «مجاهد»

موضع گیری حزب توده ایران در مورد دولت "گام به گام"، تیسار مدتی و مسائل نظیر آن، که مرکز توجه نقادانه گردانندگان نشریه "مجاهد" است، برای چندمین بار، اما با تفصیل بیشتر، در شماره های ۳۳۵، ۳۳۶، شهریور گذشته، نامعروم، توضیح مناسب خود را یافته است. برای جلوگیری از اطلاله کلام، ما علاقتان را به مراجعه به مقاله یاد شده، که خطاب به چهره های برخاشگر آن روز است، دعوت می کنیم. در اینجا همین قدر به اجمال یاد آور می شویم که، آن سبانه محوسی و غسطنمیرداری ها هم، در جوهر خود، کم کاستی از نمونه های شمشکی که در این مقاله بررسی کردیم، ندارد. ما عبارصحت و سلامت اتهامات "مجاهدین خلق" را، در اساسی ترین موارد آن، در سوت نقد گذاشتیم، تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. اگر این ایرادات و افتراها اصالت و متانت داشت، نمونه های جاشبه ای تر هم می توان داشتیم. اسلوب "مجاهدین خلق"، شورش علیه حقیقت، جراحی کردن چهره موافقت و مطلوب ساختن آن در چارچوب منوهای خویش است. و این راز سرپستای نیست که، اصرار در توجیه سیاست و رفتاری که با قانونمندی های تحول انقلابی و مصالح نهایی خلق ناسازگار است، انسان را نخست بطور سهوی و پس از مدتی علما و عوامدا در برابر حقیقت بهجهیگری وامی دارد. قانونمندی های اجتماعی، فلز آسا، می گذشت و بی باقی اند. سابقه جانپیزی و نیت قلبی، گره ای از مشکل نمی کشاید. نخستین خشت کج، بقیه در صفحه ۶

۳۴) مردم، اول تیرماه ۱۳۴۲

۳۵) مردم، اول دیماه ۱۳۴۲

۳۶) مردم، ۱۵ آبان ۱۳۴۳

۳۷) مردم، ۱۵ آبان ۱۳۴۳

۳۸) مردم، ۱۵ آذر ۱۳۴۳

۳۹) مردم، اول آذر ۱۳۴۳

۴۰) مجله دنیا، شماره اول، سال پنجم، بهار ۱۳۴۳

۴۱) مردم، ۱۵ مرداد ۱۳۴۳

۴۲) مجموعه اعلامیه ها و موضع گیری های سیاسی مجاهدین خلق ایران، جلد دوم، ص ۱۵۶

۴۳) ۴۴ و ۴۵) همان منبع، ص ۱۲۶ و ۱۵۶

۴۴ و ۴۵) مصاحبه برادر مسعود رجوی "قسمت ۶، مجاهد، شماره ۱۱۳، ص ۱۳

۴۸) سلسله مقالات نشریه "مجاهد" که تا این لحظه ۱۳ مقاله رسیده مو همچنان ادامه دارد.

مختصری درباره شرکت سهامی پشم شیشه ایران

شرکت سهامی پشم شیشه ایران از سال ۱۳۴۳ فعالیت خود را با تأسیس کارخانه پشم شیشه تهران آغاز کرد...

یا انقلاب در کارخانه کارکنان کارخانه

پشم شیشه ایران

بالا بردن کمیت و کیفیت تولید وظیفه انقلابی کارگران است

چندانی از این کلاس ها عمل نموده و برعهده شورا است که با تشویق کارگران به شرکت در این کلاس ها...

علل موفقیت در امر تولید

کارخانه پشم شیشه اردبیل در خاندانهای است که در استان فارس، پس از انقلاب، حتی دقیقاً به عمل نمی...

چگونگی فعالیت ضدانقلابی

ضد انقلاب، که نمی تواند ادامه روند تولید در کارخانه را پس از انقلاب ببیند، تلاش کرده است تا...

فعلی بحران انرژی در کشورهای سرمایه داری، حائز اهمیت است. بطور مثال در فرانسه استفاده از پشم شیشه در واحدهای مسکونی اجباری است...

کارگران و جنگ

شورا اقدام به جمع آوری کک مالی (ماهانه حدود ۵ تا ۶ هزار تومان) برای جیبه کرده است. در نتیجه...

کشاندن کارگران به اعتصاب و تحصن

استفاده بهتر از کارخانه مورتافند: (۱) با افزایش تولید، قیمت تمام شده پایین می آید...

ضد انقلاب است

امریکا، مستقیماً یکی از بزرگترین اردوکنی های نظامی خود را، با تحمل گزافترین مخارج، به آب های نزدیک سواحل ایران آغاز کرده و...

مجاهدین خلق

دیوار را تراشید که بالا می برد. نخستین گام در به راه، گام های گشته بعدی را صدا می زند. این نشان در رهبری "مجاهدین خلق" است...

مجاهدین خلق

مردم است. (۴۹) آنچه در آن ذیقعام، منافع مردم است. (۵۰) در یکی از حساس ترین لحظات تاریخ این سرزمین، بیش از ۸۰ درصد از مجموعه صنایع ارگان اصلی "مجاهدین خلق"...

مجاهدین خلق

مطلب علیه خرده بوروازی بااصطلاح سنتی، نیروها و سازمان های سیاسی ضدامپریالیست، شخصیت ها و رجال سنتی به خط امام و مومنان انقلابی...

شورا و سندیکا

بعد از انقلاب تاکنون شمارشورای تشکیل شده است، که عمدتاً کارکنان کارخانه ها و مراکز دولتی و شرکت های تعاونی می گردند...

مجاهدین خلق

مطلب علیه خرده بوروازی بااصطلاح سنتی، نیروها و سازمان های سیاسی ضدامپریالیست، شخصیت ها و رجال سنتی به خط امام و مومنان انقلابی...

شصتمین سالگرد قیام مردم خراسان به رهبری کلنل محمد تقی خان پسیان

۱۳ فروردین ۱۳۶۰، شصتسال از آغاز قیام مردم خراسان به رهبری کلنل محمد تقی خان پسیان گذشت. این قیام که بخشی از سومین اوج جنبش ضدامپریالیستی و زهادتی بخش ملی مردم ایران (پس از قیام تنباکو و انقلاب مشروطیت) بود، علل عمیق اجتماعی - اقتصادی و سیاسی داشت.

انقلاب مشروطیت ایران (۱۲۸۹-۱۲۸۴)، که قیام همگانی مردم زحمتکش علیه خودکامگی رژیم اربابیت رعیتی و تسلط روزافزون امپریالیسم بر این کشور بود، یا مداخله مستقیم دول امپریالیستی و خیانت لیرالهای سازشکار و تسلیم طلب، فاتح ماند و شکست خورد. سلطنت مشروطه خاندان قاجار، که چنانچه سلطنت مطلقه همان خاندان شده بود، یاری از روی دوش مردم زحمتکش برداشته. یا شروع جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۷) وضع زندگی ملت فرسای مردم زحمتکش کشور، که با وجود اعلام بیطرفی رسمی در جنگ، میدان ناخوش و تاز دو گروه جبهانواران امپریالیست قرار گرفته بود، روز بروز بدتر و وخیم تر میشد. تضاد های درونی جامعه ایران شدت میگرفت. جنبش اعتراضی مردم علیه تسلط امپریالیسم و رژیم پوسیده شاهنشاهی در گوشه و کنار کشور ادامه داشت.

جنگ جهانی اول، که بین دو گروه دول امپریالیستی بر سر تجدید تقسیم جهان سر گرفته بود، به انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر در روسیه منجر شده، انقلابی که برای نخستین بار در تاریخ بشریت یک خاری بنای رفیع نظام نوین عدالت اجتماعی، نظام شوروی سوسیالیستی را بنا نهاد و با پیروزی خویش ضریب شکستهای بر یک امپریالیسم - این آخرین و فاسدترین نظام طبقاتی - وارد ساخت.

پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر شرایط مساعد جهت گسترش جنبش های زهادتی بخش ملی، ضد امپریالیستی و دموکراتیک در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره بوجود آورد. در ایران، انقلاب جنگلی ها به سرکردگی میرزا کوچک خان در گیلان، انقلاب دموکراتها به رهبری شیخ محمد خیابانی در آذربایجان، قیام مردم خراسان به رهبری کلنل محمد تقی خان پسیان در سالهای (۱۳۰۰-۱۲۹۸) همه به سبب تضاد های درونی جامعه ایران و در شرایط مساعد بین المللی پس از پیروزی اکثر کبیر نسج گرفت و به موفقیت هائی، هر چند موقتی، نیز دست یافت.

برای پی بردن به سبب اصلی قیام خراسان و هدف عمده داخلی (علیه رژیم فاسد اشرافی و اربابیت رعیتی) و خارجی (علیه تسلط روزافزون امپریالیسم) آن، به نقل دو سند تاریخی بسنده میکنیم:

۱- در نامه ای که کلنل محمد تقی خان به یکی از همزمان خود (ناووز علیرضاخان معروف به شمشیر) نوشت، به سراحت متذکر گردید که:

«ما باید ریشه های تنگن خیان را از جا کنده اصول «ارستوگراسی» را از مملکت نابود سازیم، عزم آهنگ ما سلاسل و قیودات ارتجاعی را از هم گسسته و تمام مواقع و عواقب را برهم شکنیم.»

۲- در دوران اوج قیام، ژنرال کسول آنکلیس در خراسان «پریداگس» منظور کمک به دولت مستعزانه امپریالیسم در تهران، به دخالت آشکار و خشن در امور داخلی کشور دست زد، میخواست کلنل محمد تقی خان را به خروج از ایران و مسافرت به اروپا وادار کند. به این منظور پریداگس بدینار کلنل محمد تقی خان میروید و به او میگوید، که طبق دستور مرکز باید برای تکمیل معلومات خود به اروپا بروی. پسیان در جواب میگوید:

«اگر این دستور از طرف دولت ایران است، شما چرا مانور ابلاغ آن شده اید؟ و اگر از مقام دیگری است، آنچه آن برای من الزامی ندارد، پریداگس، که از جواب عاجز میماند، به تهدید پراخته با وقاحت میگوید:

«اگر پیشنهاد مرا بلاشروط قبول نکنید دستور میدهم عتبار خراسان بر شما بشورند.»

کلنل، که در مقابل این جسارت پریداگس برآشفته میشود، با پشت روی میز زده میگوید:

«دو کسول انگلیس هستی یا والی خراسان؟ اگر من بعد در کلاهی ما مداخله کنی، دستور میدهم به زاهدان بزنند و در سرحد تحویلت بدهند. برو...»

و در نامه ای که به دوست خود کاتب زاده ابراهیم، مقیم برلن، مینویسد، از جمله متذکر میشود:

«همسایه جنونی و دولت فتنار می آورد که من به خارجه مسافرت کنم، لیکن من تا ممکن است دست

از وطن نخواهم کشید و در همین جا بگسور خواهم رفت... کمک کنید تا ایران را از تحت توتد هسایه جنونی خلاص کرده، ریشه اشراف پوسیده را از بیخ و بن برکنیم.»

برخلاف آنچه بعضی از مورخین مینویسند، قیام پیچیده نتیجه عداوت شخصی پسیان با والی خراسان قوام السلطنه نبود. توقیف قوام السلطنه کمروز سیزده عید نوروز سال ۱۳۰۰، توسط نیروی ژاندارم، بدستور کلنل محمد تقی خان، صورت گرفته، درواقع بیانه و وسیله ای برای آغاز قیام بود نه سبب و علت آن.

البته، مخالفت باقراردادنحوس و نوقالو (۱۲۹۸) که ایران را درصورتی تقدیم امپریالیسم آنکلیستان میکرد، یکی از علل این قیامها بود اما این قرارداد نیز بنوع خود، تنها یک نمونه از تسلط روزافزون و خاندان برانداز امپریالیسم بطور کلی بر کشور ما ایران بود.

به شهادت اسناد موجود، قیام خراسان طبق نقشه پیشبینی شده توسط دموکراتها تدارک دیده شده بود. قیام از پشتیبانی جدی سوسیالدمکراتهای ایران برخوردار بود. کلنل شخصاً از قیام مردم آذربایجان به رهبری شیخ محمد خیابانی مطلع و نسبت به آن بسیار علاقمند بود. او همچنین نسبت به نهفت جنگلیها در گیلان فوق العاده اظهار علاقه میکرد.

سوسیالدموکراتهای ایران، که در اوج جنبش گیلان، حزب کمونیست ایران را بریزی کرده بودند، بنا به ابتکار جمعی درمسند ایجادارتباط با خیابانی در آذربایجان و پسیان در خراسان برآمده بودند که متأسفانه این ارتباط برقرار نگردید و هم آهنگی بین این سه بخش جنبش ضد امپریالیستی مردم ایران تأمین نشد. شکست جنبش گیلان و سپس سرکوب قیام آذربایجان بی شک نمیتوانست در سرنویت قیام خراسان نیز بی تأثیر باشد.

سندی که آقای علی آذری در کتاب خود «قیام کلنل محمد تقی خان پسیان در خراسان» آورده است، حاکی از توجه خاص کلنل نسبت به نهفت جنگلیها در گیلان، یاس او در مقابل شکست این نهفت و بویژه حسن نظر او نسبت به سوسیالدمکراتهای ایران و رهبر آنان حیدرخان الله، در پیغامی که کلنل محمد تقی خان برای احسان الله خان فرستاده است، به زبانهای که او به نهفت جنگلیها زده اشاره میکند در عین حال نظر تحسین آمیز خود را نسبت به حیدرخان عمو او غلی آشکارا بیان میدارد.

کلنل محمد تقی خان، در زودخوردی که ۱۰ مهر ماه ۱۳۰۰، در تپه های جعفرآباد چوچان با نیروهای اعزامی از طرف دولت مرکزی و ضد انقلابی های محلی در گرفته بود، به شهادت میرسد. گرچه پس از کشته شدن او در جبهه، دیگر همزمان صدیق، چون کلنل اسمعیل خان بهادر و دیگران مدتی به مقاومت و زودخورد ادامه میدهند، لیکن قیام مردم خراسان نیز از سوی دولت دست نشانده تهران و نیروهای ضد انقلابی محلی سرکوب میشود.

علل اصلی شکست قیام خراسان نیز، مانند دیگر قیام های آن دوره، اختلافات داخلی، عدم وحدت و انسجام و تشکل لازم در نیروهای انقلابی، توطئه ها و خرابکاری های بی در پی نیروهای متحد امپریالیسم و ارتجاع ایران، بویژه دولت لیرال های تسلیم طلبی و سازشکار، عدم هم آهنگی لازم بین بخشهای عمده نهفت ضد امپریالیستی و زهادتی بخش ملی در گیلان، آذربایجان و خراسان است.

لیکن اهداف و مقاصد والایی که این قیامها نیل بدان را وظیفه عمده خود قرار داده بودند، چیزی نبود که با سرکوب آنها از بین بیرون و وظایف اساسی اجتماعی - اقتصادی و سیاسی که در مقابل جامعه ایران قرار داشت، حل قطع خود را طلب میکرد. سرکوب انقلابها و قیامها، اصلاحات نمیبند، عوام فریبی و وعده و وعده ها چیزی نبود که بتواند مسائل اساسی جامعه را به شیوای بنیادی حل کند. جنبش اعتراضی خلق در همه دوران دیکتاتوری چنانیکار خاندان پهلوی ادامه یافت، هرچه تسلط امپریالیسم آمریکا و انگلیس شدت و وسعت گرفت، جنبش توده های زحمتکش نیز سرسخت تر، با تجربه تر، آزموده تر شد، تا آنجا که امروز ما شصتمین سالگرد قیام تاریخی مردم خراسان به رهبری پسیان علیه مظالم رژیم شاهنشاهی و تسلط امپریالیسم را، در سومین سال پیروزی انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی و مردمی ایران به رهبری امام خمینی، با سرفرازی و افتخار بر گزار میکنیم.

کمک مالی سازمان های حزب توده ایران در همدان و شهر کرد به جنگ زدگان

بدینال فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران جهت کمک به جنگ زدگان، سازمان حزب توده ایران در همدان، مبلغ سه هزار و پانصد و هشتاد تومان نقد و تعداد ۸۲ بسته لباس و هفتصفت کتک برای کمک به جنگ - زدگان، به هلال احمر این شهر تحویل گردید.

نیروی عظیم...

پیه از صفحه ۱

خود را می شناسند، بلکه برای ریشه کن کردن سلطه آن تردیدی ندارند.

تساوی امام خمینی، که بر فراز صوف برمیایان خلق در اهتزاز بود و شمار واحد آمریکا ضمیمه ملت، خمینی رهبر ملت، بار دیگر نشان داد که در سومین سالروز پیروزی انقلاب، توده ها زیر رهبری امام خمینی آماده رزم و ایثارند. آنان رهبری امام خمینی را با نابودی دشمن اصلی، در شعارها و پلاکاردها و در خروش برمیایان خود پیوند زنده و نشان دادند که توطئه های دشمن برای خنثی کردن رهبری انقلاب یا شکست مواجبه شده است.

توده های خلق با شمار «درد بر خمینی، سلام بر شهیدان» بار دیگر اعلام داشتند که زیر رهبری امام خمینی راه شهیدان گلگون - کفن انقلاب را، برای ریشه کن کردن سلطه امپریالیسم، بر سرکردگی آمریکا، بر خاک مینمایند، تا پیروزی قطعی و نهایی ادامه خواهند داد.

توده های میلیونی مردم با گشتن ۱۲ بار هرگز بر آمریکا در پایان مراسم تهران و خرسوش هرگز بر آمریکا، هرگز پسر ریگان، بار دیگر رسوائی توطئه های ضد انقلاب را برای خارج کردن آمریکا از زیر ضربه اعلام داشتند.

روز ۱۲ فروردین ۱۳۶۰ در سراسر ایران توده ها در راه پیمائی ها، شعارها و قلمنامه ها، بار دیگر برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران پیمان بستند و هدف خود را در سومین سالروز استقرار «جمهوری اسلامی ایران» اعلام داشتند: «هرگز بر آمریکا!»

براستی که حضور توده ها، شناخت ریشه های آنها از دشمن غدار در سال سرنوشته سال ۱۳۶۰، مایه شکستی و مباحثات است. وحدت، آمادگی، ایثار در این سال سرنوشته سازمان باید از این نیروی شگرف، که اکنون ۴ سال است خون میدهد و می زرنند، ۴ سال است که با دشواریهای تحمیلی از جانب امپریالیستها و کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان دورپرست و با اینهمه به نبرد ادامه منتهی دهد، ۴ سال است که بر خاکی افتد و برمی خیزد، ۴ سال است که ارواح خبیثه در گوشش زمزمه تسلیم ساز می کنند و او سرود نبرد می خواند، ۴ سال است که هستی خود را میدهد تا انقلاب خود را حفظ کند، آری، باید از این سازمان داد.

انبار مهمات...

پیه از صفحه ۱

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ملی بملاطیه ۴۵۴ خود کوشه ای از نیرد این رزمندگان را طی روزهای ۱۲ و ۱۳ فروردین در اطلاع همگان قرار داده است. در این اطلاعیه از جمله آمده است:

۱- با تعداد دیروز نیروهای چلیپای اسلام متشکل از نیروهای ارتش و برادران پاسدار در یک عملیات شهروانه در منطقه سوسنگرد ۴۴۴۴ دشمن زانهم ساخته و ۱۵ تن از اقوامی را بهلاکت رسانیدند. دشمن که توان مقابله با نیروهای منافع اسلام را در خود ندید، شهر سوسنگرد را زیر آتش قرارداد و تعدادی از هوامان ما را مجروح کرد. همچنین در روزهای ۱۲ و ۱۳ فروردین ماه دشمن متجاوز شهرهای اهواز، دزفول و آبادان را زیر آتش تویخانه قرارداد و ضمن وارد کردن خساراتی به چند خانه مسکونی تعدادی از هوامان غیر نظامی و بردفاع ما را ششید و مجروح ساخت.

۲- روز ۱۲ فروردین ماه با آتش تویخانه یکگانه ای ارتش جمهوری اسلامی ایران بمواقع دشمن در منطقه فلو عراق یک انبار مهمات دشمن به آتش کشید و نابود شد.

۳- در روزهای ۱۲ و ۱۳ فروردین ماه میدانه آتش درازلب جبهه های غرب کشور آماده داشت و تویخانه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در روز ۱۲ فروردین بر مواضع دشمن در منطقه مقابل مریوان آتش گسود و مسنگر اجتماعی و ۱ نفر و ۳ خودرو دشمن متجاوز را نابود کرد.

حوالی نیمه شب روز پنجشنبه بار دیگر رژیم چاینگار صدام شهر شیبیور دزفول را مورد حمله موشکی خود قرار داد که منجر به شهادت یک نفر و مجروح شدن ۱۲ نفر و خراب شدن تعداد زیادی از خانه های مسکونی گردید. این حمله صبح روز جمعه نیز انجام گرفت.

به گزارش خیرنگار خیرگزاری پارس از اهواز، شب گذشته (پنجشنبه ۱۳ فروردین) یکی از نقاط مسکونی شهر اهواز بموشک تجاوزگران صدام مورد حمله قرار گرفت.

بزارت این حمله چنانیکارانه ۲ تن ششید و ۳ تن مجروح شدند و به تعداد زیادی منازل و خانه مسکونی خساراتی وارد آمد. در نتیجه زدهای آراجرای آتش تویخانه رزمندگان ارتش جمهوری اسلامی ایران یک انبار مهمات و چند سنگر دشمن نابود شد و در یک عملیات چریکی دیگر نیز یک خودروی دشمن از بین رفت در گیلان غرب و سومار بر اثر آتش تویخانه ارتش مسنگر اجتماعی و چند موضع دشمن هدف قرار گرفت و خساراتی به دشمن وارد آمد.

بر اساس همین گزارش در یکی از ارتفاعات غرب در نبرد بین رزمندگان ژاندارم با ارتش صدام یک موضع خیابانمانند دشمن نابود شد و تلفاتی به آنان وارد آمد. در این درگیری یکی از رزمندگان ژاندارم ششید و ۴ تن زخمی شدند.

محاكمة امير انتظام

در امور داخلی ایران نیست؟ و آیا مجموعه اقدامات وی (چه به دستور مهندس بازرگان انجام گرفته باشد و چه بابتکار شخص خودش) کوشش برای بازگشت و سلطه مجدد آمریکا بر ایران نیست؟

لاگر يك فرد ساده و بی تجربه در امور سیاسی می‌فهمد که امپریالیسم آمریکا بسادگی نمیتواند شکست خود در ایران را تحمل کند و بیشک برای «بازگشت» خواهد کوشید، چگونه امیرانتظام که برای خود سی سال فعالیت سیاسی داشته است، تا امروز باین حقیقت ساده پی نبرده بود؟

صحت بر سر سلسله منطقی بود-د-هائیت که امیرانتظام در یکسو و نمایندگان امپریالیسم آمریکا در سوی دیگر آن قرار داشته‌اند. بین انقلاب ایران و امپریالیسم آمریکا خصومت آشوبناپذیر حکمفرما بوده است. بین امیرانتظام و مأموران سفارت آمریکا چه نوع تقابلی وجود داشته است؟ بحث بر سر کلیات نیست که هر دولتی با نماینده دولت دیگر تماس بگیرد مذاکره میکند و... بحث در مورد شخصی است که نماینده یک دولت انقلابی یا مأموران جاسوسی و سیاسی دولت دیگری که در تصدات آن نیست به براندازی انقلاب و رهبری آن تردیدی نباید داشته باشد. وارد مذاکره میشود و اطلاعاتی را که میتواند به این دولت متجاوز و خائن در اقدامات بی‌مردانه و دولت انقلابی کمک کند، در دسترس او میگذارد.

محاكمة امیرانتظام چنانکه دامستان دادگاه انقلاب اسلامی تهران بدستی در کيفرخواست خود تصریح میکند، محاكمة «لایان سیاست‌بازی» است که مقدمه «پیش‌خوردن دوباره شیطان» در مبین انقلابی ما بوده‌اند و امپریالیسم زخم‌خورده آمریکا «در همان آغاز» هم خود را مصروف‌شستلسانی این عناصر «سازشکار» و جلب آنها نموده است. هر کس که به ندای امپریالیسم خونخوار آمریکا لیک گفته است و دست همکاری بسوی آنان دراز کرده‌است، خائن به انقلاب و مبین انقلابی نیست.

امیرانتظام باید ثابت کند که از بیرون مکتب سازش با آمریکا نبوده است. ولی واقعیت اینست که تمام اسناد و مدارک و حتی شهادت مهندس بازرگان در دادگاه عکس اینرا ثابت میکند.

غارتگر و تاجیز نموند خون هزاران شهید و سلطه مجدد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی امپریالیسم آمریکا اقدامی کرده است یا خیر؟

آیا مبادله اطلاعات بین او و دیپلماتهای آمریکائی، که ضویت آنها در سازمان صیبه برای او محرز بود، می‌توانست است نتیجه دیگری جز تسویل این بازگشت و سلطه داشته باشد؟

آیا امیرانتظام میتواند، بدون توقف بر تابعی مبادله این اطلاعات، یا دیپلماتهای جاسوسی آمریکائی همکاری کرده باشد؟ اینکه بین امیرانتظام و مأموران سفارت آمریکا «مبادله اطلاعات» صورت میگرفته، محرز است و شاهد تعدادی، چون مهندس بازرگان نیز آرا صدیق کرده است. مردم ایران میخواهند بدانند که: این «مبادله اطلاعات» برپایه چه قراردادی، چه تصویب‌نامه‌ای انجام میگرفته است؟ آیا شورای انقلاب، عالیترین ارگان کشور در دوران دولت موقت، «مبادله اطلاعات» بین ایران و ایالات‌متحده آمریکا را صویب کرد است؟ امیرانتظام بچه مجوزی تصیم گرفته است که بین ایران و آمریکا «مبادله اطلاعات» مبادله کند، آنگاه «اطلاعاتی» که هدف آن جلب پشتیبانی آمریکا از دولت موقت برای رویارویی با نهادهای انقلابی است؟

«مبادله اطلاعات» و «دادگاههای انقلابی» باشد؟ (رجوع کنید به کيفرخواست دامستان انقلاب اسلامی تهران، بند ۳).

در اینجا نه پای ترجمه، در میان است، نه سندسازی و نه فسق، گروهی از بهترین فرزندان ایران، که لانه جاسوسی آمریکا را تسخیر کردند و رشته این «مبادله» دوستانه را برینفند تمام امارات و قرائن و اغراض و نطقهای مهندس بازرگان و مقالات و نامه‌های سرگشاده پدیدشان‌نایت میکند که دولت موقت با این نهادهای انقلابی سر سازش نداشته است. اکنون امیرانتظام باید بگوید که اصولا گفتگو درباره این مسائل با مأموران سفارت آمریکا چه ربطی یا مسائلی روابط بین دو کشور داشته است و این مسائل صرفا داخلی را یا کسانی که در خصوصشان نسبت باینقلاب ایران کوچکترین تردیدی وجود نداشته است، بچه منظور در میان گذارده است؟ آیا این عمل وی دعوت از آمریکا بیداخله

برای نخستین بار در تاریخ ایران، یکی از دولتمردان شاغل پاتهام جاسوسی به سون امپریالیسم جهانی، پسرکردگی آمریکه و خیانت به‌میبین، از پشت‌باز وزارت و سفارت های میز محاكمة کشیده شده است، و این خود، صرفنظر از اینکه رای دادگاه دوباره متهم به باشد، یک پیروزی بزرگ برای انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی ایران است.

امیر انتظام را، چنانکه دامستان انقلاب اسلامی مرکز در کيفرخواست خود آورده است، به گناه آنکه یکی از مبره‌هایی بوده است که «آرام آرام» و با انتخاب روشی تسلیم‌طلبانه و سازشکارانه، و با نادیده انگاشتن خون هزاران شهید مقدمه‌الجبیش حضور دوباره شیطان (امپریالیسم آمریکا - نامه مردم) در اندرون امت‌مسلمان میشوند، محاكمة میکنند. اتهام امیر انتظام آنست که در ردیف سایر «لایان‌سیاست‌باز» و حشند همراه با پس جبهاتخوانان را دوباره به «مید مبدل» کرده است.

دامستان انقلاب اسلامی مرکز این پرستی برعکس را مطرح میکند که: اگر «چهره‌های سازشکار و تسلیم‌طلب» شناخته نمیشدند، «کسی چه میداند...» چه برسر این انقلاب می‌آمد و سر نوشت این حرکت عظیم الهی و اسلامی یکجا متهمی میشد و پراستی آیا پس از آنچه «لاشعاری عقیم، امریکائی غارتگر برای بازگشت دوباره و تاجیز نموندن خون هزاران شهید و سلطه مجدد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی دوايران اسلامی، راهی جز توسل به عناصر سازشکار وجود میداشت؟

جان کلام دامستان انقلاب اسلامی مرکز در همین چند جمله نهفته است. و او برآستی از زبان تمام مردم ایران سخن میگوید، و اگر متهم را در دفاع از خود پاسخی است، باید باین اتهام اساسی پاسخ بدهد، نه اینکه سخن را به سمت و ستم «ترجمه اسناد و خدماتی» در دوران سفارت در استکبلم بکشاند.

امیر انتظام باید صراحتا باین سؤال دامستان انقلاب اسلامی تهران پاسخ بدهد که: آیا طرفدار «حضور دوباره» شیطان بزرگ در ایران بوده است؟ آیا برای بازگشت دوباره امریکائی

بمناسبت بیستمین سالگرد پایه‌گذاری سازمان پیشاهنگان خوزه مارتی، کوبا

«سازمان پیشاهنگی خوزه مارتی» در کوبا

(تاسیس: ۱۵ فروردین ۱۳۴۰ - ۴ آوریل ۱۹۶۱)

سازمان پیشاهنگان خوزمارتی، یکی از پنج سازمان جوانان و خرمسالان کوبا است، که کودکان ۱۴-۱۶ ساله را در صفوف خود گرد می‌آورد. اکنون بیش از ۲ میلیون نوجوان کوبایی عضو این سازمان هستند.

سازمان پیشاهنگان خوزمارتی، در واقع، وارث اتحادیه پیشاهنگی است که بیش از پنجاه سال پیش، در زمان دیکتاتوری ماکادو، در کوبا تاسیس یافت.

پس از پیروزی فیدل کاسترو و یارانش بر دیکتاتوری پائین، در سال ۱۳۳۹ (۱۹۵۹)، اتحادیه نامبرده منحل و در ۱۵ فروردین ۱۳۴۰ (۴ آوریل ۱۹۶۱) بنام «پیشاهنگان شورشی» از نو بنیان گذاشته شد. این سازمان چهار سال است که زیر نام کنونی - «سازمان پیشاهنگان خوزمارتی» - فعالیت میکند.

مهمترین هدف سازمان پیشاهنگان خوزمارتی، تربیت کمونیستی نسل نوجوانان کوبا است و در این زمینه از «اتحادیه جوانان کمونیست» که خود در راستای هدف‌های «حزب کمونیست کوبا» فعالیت میکند، رهنمود می‌گیرد.

از دیگر وظائف سازمان پیشاهنگان خوزمارتی، عبارتست از: همکاری برای پیشبرد هرچه بیشتر برنامه‌های آموزشی، تدارک برنامه‌های تفریحی و ورزشی و آموزش مبین‌دوستی و انترناسیونالیسم. عضویت در این سازمان داوطلبانه است.

دعوت سازمان پیشاهنگان خوزه مارتی، هر ساله تابستان، کودکان کشورهای گوناگون جهان در اردوگاه بین‌المللی، که در کوبا برگزار میشود، گرد هم می‌آیند.

کشایش دوازدهمین کنگره حزب کمونیست بلغارستان

دوازدهمین کنگره «حزب کمونیست بلغارستان» که روز ۱۱ فروردین در صوفیه گشایش

یافت، بکار خود ادامه میدهد. نمایندگان به بحث درباره گزارش تودور ژیو کوفه، دبیر-کل کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان، پرداختند و پشتیبانی خود را از اصول سیاست داخلی و خارجی حزبی اعلام داشتند.

ضدانقلابیون افغانستان اهالی یک روستا را قتل‌عام کردند

یک گروه ضدانقلابی در افغانستان ساکنان یک روستای مرزی را قتل‌عام کردند. عناصر ضدانقلابی به کشتار بیرون زنان و کودکان صیبه قائم، واقع در کنگر، دست زدند. آنها همچنین دو دیستان را در ایالت پروان به آتش کشیدند.

پشتیبانی امپریالیست‌ها از محافل ضد سوسیالیستی لهستان

پشتیبانی محافل امپریالیستی ایالات متحده آمریکا از عناصر ضدسوسیالیستی در لهستان شدت یافته است. برپایه گزارش‌های رسیده، نیروهای مترقی لهستان، ضمن محکوم کردن این توطئه‌ها، تاکید کرده‌اند که از «اتحادیه‌های سوسیالیستی» و «سوسیالیستی» تهدید دولت سوسیالیستی لهستان استفاده میشود.

خبرگزاری «تاس» چندین‌بار اظهارات وزیران دفاع و خارجه آمریکا را درباره لهستان-داخلت نااهل در امور داخلی لهستان، خواند.

در سالگرد جمهوری اسلامی ایران مردم اتحاد شوروی همبستگی خود را با انقلاب ایران ابراز داشتند

بگزارش رادیو مسکو (برنامه فارسی ۱۳ فروردین ۱۳۶۰)، دکتر محمد مکره، سفیر ایران در اتحاد شوروی، بمناسبت دومین سالگرد اعلام جمهوری اسلامی ایران دریک کنفرانس مطبوعاتی در مسکو شرکت کرد و در آن درباره دستاوردهای انقلاب ایران و یارهای از مسائل سیاست خارجی ایران سخن گفت.

بمناسبت دومین سالگرد اعلام جمهوری اسلامی ایران، گروه‌های گوناگونی در نقاط مختلف اتحاد شوروی برپا شد، که در آنها مردم و شخصیت‌های این کشور همبستگی خود را با انقلاب ایران ابراز داشتند.

برای نمونه، گروه‌هایی در «پاشگاه انترناسیونالیستی» ملوانان در بندر پلانو، واقع در کرانه دریای سیاه، تشکیل‌شد (این پاشگاه عضو «انجمن روابط فرهنگی شوروی و ایران» است).

در این گروه‌هایی، ملوانان شوروی، که به ایران مسافرت میکنند و برخی از کارشناسان شوروی، که زمانی در ایران بوده‌اند و همچنین دانشجویان کشورهای آسیایی، که در مدارس عالی کریمه به تحصیل مشغولند، حضور داشتند. حاضران در سخنرانیهای خود، تأیید کردند که مردم شوروی از نخستین روزهای انقلاب ایران، به مبارزات مردم ایران، بویژه علیه دسایس امپریالیستی، بدیده تحسین می‌نگریسته‌اند و اکنون نیز پیروزی آنها را در پیروزی زندگی نو در مبین خویش سمیانه آرزومندند. شرکت‌کنندگان در گروه‌هایی نامبرده، سپس از نمایشگاهی، که باین مناسبت برپا شده بود، دیدن کردند.



«ناتو» بار دیگر استقرار موشک‌های آمریکایی را در پنج کشور اروپایی بررسی میکند

گروهی از کشورهای بلوک «ناتو» روز ۱۱ فروردین ۶۰، در گروه‌هایی در بروکسل، استقرار ۶۰۰ موشک هسته‌ای میان‌برد آمریکایی را در پنج کشور اروپایی بررسی کرد.

هرچند طرح استقرار این موشک‌ها از سوی رهبری «ناتو» و با اعمال فشار «واشنگتن» به تصویب رسیده است، کشورهای هلند و بلژیک تاکنون یا آن‌موافقت نکرده‌اند.

بسیاری از شخصیت‌های مترقی بریتانیا، ایتالیا و آلمان فدرال نیز تاکنون کوشیدم‌اند تا دولت‌های خویش را به تجدید نظر در طرح نامبرده وادار سازند.

گفتگوهای وزیر خارجه آلمان فدرال در مسکو

کتابکوه‌های آفریه گرومیکو، وزیر خارجه اتحاد شوروی، و هانس دیتریش گشر، وزیر خارجه جمهوری فدرال آلمان در مسکو آغاز شد.

دو طرف، باتوجه به اوضاع بین‌المللی کنونی، به بررسی برخی از مسائل مبرم پرداختند. در این گفتگوها بویژه اوضاع اروپا مورد بررسی قرار گرفت و نقطه‌نظرهای دو طرف درباره تحدید تسلیحات، پیشبرد خلع‌سلاح و کار گروه‌هایی مادریده تصریح شد.

وزیر خارجه انگلیس در پکن

لرد کریگتون، وزیر خارجه بریتانیا، که چند روز پیش از پاکستان دیدن کرد، روز ۱۳ فروردین ۱۳۶۰ وارد پکن شد. چنانکه خبرگزاریها گزارش دادند، افغانستان یکی از مهمترین مسائل مورد بحث کریگتون با رهبران چین بود.

در کنار آمریکا، چین و پاکستان و انگلستان همواره از عمده‌ترین حامیان ضدانقلاب در افغانستان بوده‌اند.

نقشه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

کمیته انتشار و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM
No. 477
4 April 1981

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر یا نامه مردم، مکاتبه کنند.
ممنون بستی
۱۴ پستی تهران